

فصل چهارم

- بخش نخستین = اهمیت نفت خاورمیانه
- بخش دوم = نفت ایران
- بخش سوم = نفت عراق
- بخش چهارم = نفت بحرین
- بخش پنجم = نفت عربستان سعودی
- بخش ششم = نفت کویت
- بخش هفتم = نفت منطقه بیطرف
- بخش هشتم = نفت قطر
- بخش نهم = نفت سایر کشورهای خاورمیانه
- بخش دهم = گاز نفت در خاورمیانه
- بخش یازدهم = تأثیر اقتصادی و اجتماعی نفت
در خاورمیانه

فصل چهارم

بخش نخستین - اهمیت نفت خاورمیانه

ارقام زیر افزایش سریع و بی سابقه استخراج نفت را در کشورهای خاورمیانه آشکار میسازد.

در سال ۱۹۳۸ (یعنی سال قبل از جنگ اخیر بین المللی) کلیه محصولات نفت خاورمیانه شانزده میلیون تن و در همان سال مجموع محصولات نفت جهان ۲۸۲ میلیون تن و محصول خاورمیانه پنج و نیم درصد از کل محصول دنیا محسوب میشد.

در سال ۱۹۴۶ (یکسال پس از جنگ) محصول نفت خاورمیانه سی و پنج میلیون و نیم تن و در همان سال محصول نفت جهان ۳۷۸ میلیون تن و محصول خاورمیانه نه و چهاردهم درصد از کلیه محصول دنیا محسوب میشد.

در سال ۱۹۵۲ محصول نفت امریکا ۳۰۴ میلیون تن (که نصف کل محصول دنیا بود) و محصول نفت سایر کشورهای نیم کره غربی ۱۲۱ میلیون تن (که یک پنجم کل محصول دنیا بود) و محصول روسیه شوروی و کشورهای وابسته بآن ۵۵ میلیون تن (که نه درصد محصول دنیا بود) و محصول نفت خاورمیانه باستانی ایران که در آنوقت استخراجش تقریباً متوقف بود یکصد و پنج میلیون و نیم تن (که هفده و دودهم درصد محصول دنیا بود) و محصول سایر نقاط بیست میلیون و نیم تن (که سه و هشتم درصد محصول دنیا بود).
در سال ۱۹۵۴ محصول نفت جهان بدینقرار بود :

چند درصد از نفت دنیا

$45 \frac{7}{10}$	۳۱۱۸۰۰۰۰۰	ایالات متحده امریکا
$1 \frac{9}{10}$	۱۲۶۶۰۰۰۰	کانادا
$18 \frac{5}{10}$	۱۲۶۲۶۶۰۰۰	مکزیک و کشورهای امریکای جنوبی
$19 \frac{9}{10}$	۱۳۵۸۸۰۰۰۰	خاورمیانه
$2 \frac{5}{10}$	۱۶۹۹۵۰۰۰	خاور دور
$\frac{7}{10}$	۴۶۵۰۰۰۰	اروپا و سایر نقاط
$10 \frac{8}{10}$	۷۳۲۵۳۰۰۰	شوروی و کشورهای وابسته بآن
۱۰۰	۶۸۱۵۰۴۰۰۰	جمع

در گذشته تقاضا برای مواد نفتی باندازه ای زیاد بوده است که در هر ده سال دو برابر شده و اگر گذشته را قیاسی برای آینده بشمار آوریم بعید نیست که محصول نفت

کشورهای خاورمیانه تا چند سال دیگر بسالی دو بیست الی دو بیست و پنج میلیون تن برسد . در قسمت تصفیه نفت پالایشگاه های کنونی کشورهای خاورمیانه گنجایشی در حدود شصت و دو میلیون تن در سال دارند که قسمتی از آن عاقل مانده و بقیه مشغول کار است . قریب سه چهارم از کل مقدار نفتی که در خاورمیانه تصفیه میشود بسایر کشورها صادره میشود و نظر باینکه پس از جنگ پالایشگاه های متعددی در کشورهای اروپا ساخته شده که قادر بتصفیه کلیه احتیاجات آن است و در هندوستان و خاور دور هم پالایشگاه هایی اکنون میسازند تصور نمیرود که تا مدت مدیدی صنعت تصفیه نفت در خاورمیانه توسعه زیادی یابد .

استخراج و تصفیه نفت خاورمیانه از ابتدای دست شرکتهای بزرگ نفت انجام مییافت و این ترتیب هنوز هم ادامه دارد و با نفوذ و قدرتی که شرکتهای مزبور دارند تصور نمیرود که باین زودیها بتوان سلطه آنها را متزلزل ساخت و تا وقتی که وضع سیاسی کشورهای خاورمیانه این است که امروز مشاهده میشود گمان نمیرود که در آینده نزدیکی ملل خاورمیانه قادر باشند که صنعت نفت خود را بدون کمک دیگران اداره نمایند .

توسعه روز افزون استخراج نفت در خاورمیانه عوامل جدیدی ایجاد کرده است که احتمال وقوع آنها در سابق تصور نمیرفت . مثلاً مبلغ سرمایه ای که شرکتهای نفت در صنعت نفت این کشورها بکار انداخته اند پس از جنگ یکمترتبه افزایش بسیاری پیدا کرد در حالیکه قبل از جنگ گمان نمیرفت که چنین مبالغ گزافی در این ناحیه از جهان بکار افتد . در سال ۱۹۲۵ کلیه سرمایه خارجی که در نفت خاورمیانه (آنوقت فقط ایران و مصر) بکار افتاده بود از یکصد میلیون دلار تجاوز نمیکرد . در ۱۹۳۵ مبلغ آن به ۳۵۰ میلیون دلار رسید و در ۱۹۴۵ به هزار میلیون دلار بالغ شد و در ۱۹۵۱ زدهزار میلیون دلار هم تجاوز کرد . طبق آخرین برآوردی که شده است مبلغ سرمایه خارجی که در ۱۹۵۴ در کار نفت خاورمیانه بود از دوهزار و پانصد میلیون دلار هم تجاوز کرده است .

شاید مردمانی که اطلاع کافی از امور نفت ندارند تصور کنند که همه این مبلغ را شرکتهای نفت از خارج آورده و در امور بهره برداری نفت خاورمیانه بکار انداخته اند ولی اینطور نیست زیرا قسمت عمده سرمایه مصروفه عبارت از درآمد های گزافی بوده است که شرکتهای مزبور عایدشان شده و بعد آنرا بمصرف سرمایه رسانده اند . ملل متحد کتابی در سال ۱۹۵۱ راجع باوضاع اقتصادی کشور های خاورمیانه چاپ و منتشر کرد که شرح زیر از صفحه های ۲۶ و ۲۷ آن اقتباس شده است و درآمد گزاف شرکتهای نفت را آشکار میسازد :-

» با وجود اینکه سرمایه زیادی برای استخراج و حمل و نقل نفت خاورمیانه لازم است معیناً اشاراتی هست که ثابت میدارد هزینه تولید نفت در خاورمیانه خیلی کمتر از هزینه تولید آن در سایر نواحی عمده نفت خیز جهان میباشد . تقریباً تمام نفت خاورمیانه از چاه هایی بدست میآید که خود فوران دارند و ائانیه کار هم از بهترین نوع است . میزان تولید از چاه های مزبور که تعداد آنها در سال ۱۹۴۹ سیصد و نود و شش چاه بود بسیار عالی است . معدل محصول روزانه هر یک از آنها قریب به ۳۷۲۸ چلیک بود در حالیکه

معدل محصول چهارصد و پنجاه هزار چاه نفت در ایالات متحده امریکا روزی هر يك يازده چليك ومعدل محصول چاه های همه دنيا هر يك روزی بیست و يك چليك بیش نبوده است. مزد عمله پایین و تولید نفت بوسیله هر کارگری معادل تولید کارگر امریکائی و ونزوئلائی میباشد.

«در سال ۱۹۴۸ حق الامتیاز ومالیات پرداختی در خاورمیانه برای هر چليك نفت بین سیزده و سی و پنج ساتیم امریکائی بود در صورتیکه در ونزوئلا معدل پرداختی دوازده شرکت بزرگ نفت ۸۶ ساتیم برای هر چليك بود. اخیراً نرخ حق الامتیاز در چند کشور خاورمیانه افزایش یافته است ولی با وجود این از ماخذ مبلغی که در ونزوئلا پرداخت میشود خیلی کمتر است. اطلاعاتی راجع به هزینه حقیقی تولید نفت در غالب کشورهای خاورمیانه در دسترس نیست. در آخر سال ۱۹۴۷ هزینه استخراج يك چليك نفت خام در عربستان سعودی به ۲۴ ساتیم امریکائی تخمین زده شد و این مبلغ غیر از ۲۱ ساتیم حق الامتیاز و دوونیم ساتیم هزینه حمل نفت به پالایشگاه بود. هزینه تولید يك چليك نفت خام در عربستان سعودی را میتوان بطور تخمین مأخذ هزینه تولید نفت خام در سایر کشورهای مجاور خلیج فارس دانست. در ونزوئلا معدل هزینه تولید يك چليك نفت خام برای دوازده شرکت بزرگ نفت (بغیر از حق الامتیاز ومالیات) در حدود ۶۸ ساتیم بوده است»

«در اوایل سال ۱۹۴۹ نفت خام خاورمیانه که تحویل کشتی در خلیج فارس مظنه داده میشد عبارت بود از هر چليك (بوزن مخصوص ۳۳) يك دلار و نود و هفت ساتیم امریکائی و برای هر درجه وزن مخصوص دو ساتیم تفاوت قائل میشدند (که در واقع تفاوت در نوع جنس نفت است). در اواسط سال مزبور یازده ساتیم در هر چليك قیمت را باین آوردند و در سپتامبر همان سال با زهم سیزده ساتیم تنزل در قیمت ها پیش آمد بطوریکه در اواخر آن سال مظنه هر چليك نفت خام خاورمیانه به يك دلار و شصت و نه ساتیم رسید. این را میتوان تطبیق با مظنه نفت خام ونزوئلا که تحویل بندر پوئرتو لاکروز دو دلار و پنجاه و نه ساتیم ومظنه نفت خام تکزاس که تحویل بندر هوستن دو دلار و هفتاد و دو ساتیم بوده نمود. نظر به کمی هزینه تولید قیمت های کنونی نفت خاورمیانه هنوز تفاوت فاحشی با سایر نقاط دارد و سود آن خیلی زیادتر است.»

چنانکه از شرح فوق واضح است هزینه تولید نفت خاورمیانه از هزینه تولید در امریکای شمالی و جنوبی کمتر است و گرچه هزینه حمل نفت خاورمیانه بارو با گران تر از هزینه حمل نفت نیم کره غربی بکشور های اروپائی میباشد معیناً در آمد شرکت های نفت از تأسیسات آنها در خاورمیانه زیادتر میباشد. در حال حاضر با وجود افزایش حق الامتیاز نفت های خاورمیانه صرف میکنند که از خلیج فارس نفت با ایالات متحده امریکا حمل شده و بفروش رسد.

عامل دیگر نفت خاورمیانه که در سالهای اخیر اهمیت یافته همان تعیین مظنه

آن است. در سابق مظنه نفت در خلیج مکزیک مأخذ قیمت نفت خاورمیانه بود ولی اکنون عظمت استخراج این ناحیه به جایی رسیده است که مظنه مستقلی برای آن اعلان میشود و نفت خاورمیانه با گرانی کرایه که بآن تعلق میگیرد می تواند در سواحل شرقی امریکا با نفت ونزولا برابری نماید.

گذشته از عوامل اقتصادی که محرك و مشوق استخراج نفت خاورمیانه بوده است احتیاج روز افزون کشور های صنعتی بنفت موجب تولید عوامل سیاسی گوناگون گشته و سر نوشت سیاسی کشور های خاورمیانه در پنجاه سال اخیر بستگی فراوانی با نفت داشته است که ذکر خلاصه ای از آن بی مورد نیست. ولی قبل از بحث در این موضوع ذکر بعضی ارقام لازم بنظر میرسد.

استخراج نفت در خاورمیانه به هزار تن متريك

کشور	سال ۱۹۴۸	سال ۱۹۴۶	سال ۱۹۵۰	سال ۱۹۵۴
ایران	۱۰۳۵۹	۱۹۴۹۷	۳۲۲۵۹	۳۹۳۶
بحرین	۱۱۳۸	۱۰۹۹	۱۵۱۱	۱۵۰۵
مصر	۲۲۶	۱۲۸۲	۲۶۰۷	۱۹۷۰
عراق	۴۲۹۸	۴۶۸۰	۶۴۷۶	۲۹۵۵۰
کویت	-	۸۰۰	۱۷۲۹۱	۴۷۷۳۰
منطقه بیطرف	-	-	-	۹۲۰
کویت و سعودی	-	-	-	۴۷۷۹
قطر	-	-	۱۶۳۶	۴۶۱۸۷
عربستان سعودی	۶۷	۸۲۰۰	۲۶۹۰۴	۵۹
ترکیه	-	-	۱۷	-
جمع	۱۶۰۸۸	۳۵۵۵۸	۸۸۶۱۳	۱۳۵۶۳۶

محصول کل جهان ۲۸۲۰۰۰ ۳۷۸۰۰۰ ۵۲۵۰۰۰ ۶۹۰۰۰۰
محصول خاورمیانه چند درصد از محصول دنیا بوده است.

$$۱۹ \frac{۷}{۱۰} \quad ۱۶ \frac{۹}{۱۰} \quad ۹ \frac{۴}{۱۰} \quad ۵ \frac{۷}{۱۰}$$

تصفیه نفت در خاورمیانه به هزار تن متريك

کشور	سال ۱۹۴۸	سال ۱۹۴۶	سال ۱۹۵۰	سال ۱۹۵۴
ایران	۶۸۷۷	۱۷۰۴۳	۲۴۶۶۵	۱۲۳۵
بحرین	۹۱۳	۴۰۴۲	۶۸۴۱	۹۷۵۹

-۱۶۸-

کشور	سال ۱۹۴۸	سال ۱۹۴۶	سال ۱۹۵۰	سال ۱۹۵۳
مصر	۲۸۱	۹۴۰	۲۱۱۱	۲۱۹۶
عراق	۱۱۶	۱۹۹	۳۹۶	۸۶۳
اسرائیل	۳۲۰۰	۳۲۰۰	۱۸۷	۸۶۷
کویت	-	-	۱۱۰۱	۱۵۱۸
لبنان	-	۲۲۸	۳۹۴	۴۸۷
عربستان سعودی	-	۳۷۰۰	۴۹۶۰	۹۹۰۱
ترکیه	-	-	۵	۵

در باره ذخایر نفت خاورمیانه ارقام مختلفی تا کنون ذکر شده که همیشه با کشف معادن جدید در تغییر بوده است. آخرین ارقامی که در موقع طبع این کتاب بدست آمد همان جدولی بود که در آخرین گزارش اقتصادی ملل متحد در باره خاورمیانه منتشر گشته و بقرار زیر است:

ذخایر نفت کشورهای خاورمیانه طبق تخمینی که در اول سال ۱۹۵۳ میلادی شده به هزار تن متریک

چند درصد از کل ذخایر جهان	ملیون تن متریک	
۰٫۳	۴۰۹۰۰	بحرین
۰٫۲	۲۸۶۰۰	مصر
۱۱٫۱	۱۷۲۲۳۰۰	ایران
۹٫۴	۱۴۷۰۶۰۰	عراق
۱۵٫۷	۲۴۴۴۳۰۰	کویت
۱۰٫۵	۱۶۳۲۰۰	قطر
۱۵٫۶	۲۴۲۶۵۰۰	عربستان سعودی
۰٫۱	۱۱۱۰۰	ترکیه
۵۳٫۴۵	۷۳۰۸۵۰۰	جمع

در آخر سال ۱۹۵۴ میلادی ارقام فوق بواسطه کشفیات جدید تغییر کرده است و اینک گفته میشود که مجموع ذخایر کشف شده کشورهای خاورمیانه از دوازده هزار و پانصد ملیون تن هم متجاوز گشته و نسبت ذخایر مزبور به کل ذخایر کشف شده جهان ترقی کرده و به شصت در صد رسیده است بدین معنی که شصت درصد کل نفتهای کشف شده دنیا در کشورهای خاورمیانه موجود میباشد. بهر اندازه که معادن جدیدی کشف شود این ارقام باز هم تغییر خواهد کرد و همانطور که در ده سال اخیر ذخایر نفت خاورمیانه ۲۴۰ درصد افزایش یافت در آینده نیز ممکن است افزایش یابد.

کشفیات اخیری که در کشورهای عربستان و کویت و عراق شده ذخایر موجود

آنان را خیلی بالا برده است. ارقام زیر که در تاریخ پانزدهم فوریه ۱۹۵۴ در مجله «نفت جهان» چاپ شده بقرار زیر است:

چند درصد نفت جهان

$22 \frac{8}{10}$

$18 \frac{4}{10}$

$9 \frac{1}{10}$

$8 \frac{5}{10}$

$19 \frac{8}{10}$

۷

ذخایر نفت

عربستان سعودی

کویت

عراق

ایران

ممالک متحده امریکا

ونزوئلا

در دو بیست سال اخیر علاقمندی انگلیسها به خاورمیانه ناشی از منافعی بود که آنها در هندوستان داشتند. در ابتدا راه زمینی بین اروپا و هندوستان و بعد راه دریائی که از کانال سوئز عبور میکرد و سپس راه هوائی مورد نظر آنها بود و همواره کوشش میکردند که از توسعه نفوذ سایر کشورهای خاورمیانه که بمنزله دروازه هندوستان بود جلوگیری کنند. هنگامیکه ناپلئون ب فکر تصرف و اشغال مصر افتاد قصد اصلی او این بود که در مصر جای پای برای حمله به هندوستان تهیه نماید و انگلیسها هر چه در قوه داشتند کردند تا از سرایت نفوذ فرانسه به خاورمیانه جلوگیری کردند. قبل از جنگ بین المللی اول آلمانها در امپراتوری عثمانی نفوذی یافته و هندوستان را تهدید میکردند و یکی از علل جنگ مزبور این بود که انگلیسها میل نداشتند کشور بزرگی مانند آلمان در خاورمیانه نفوذ و رسوخی پیدا کند. هواخواهی انگلیسها از قیام اعراب بر ضد امپراتوری عثمانی بمنظور این بود که کشورهای اروپائی در منطقه خاورمیانه رخنه ای نکنند و اعلامیه بالفور راجع باستقلال فلسطین با این نظر تدوین شد که یهودیهای امریکا با نفوذ و پول خود دولت امریکارا بیاری انگلیس و متفقین برانگیزند. روسیه تزاری و روسیه شوروی هر دو چشم طمع به بغازهای بوسفور و خلیج فارس دوخته و در تمام قرن نوزدهم و نیمه قرن حاضر کوشش فراوان کرده است که باین دو نقطه دسترسی یابد و انگلستان همواره سعی وافیه نموده که از توسعه روسیه بطرف جنوب جلوگیری نماید.

تایست سال پیش دو کشور بزرگی که بر سر دست یافتن به خاورمیانه رقابتهای شدیدی داشتند روسیه و انگلستان بودند و اساساً هر دو نظرشان بر این معطوف بود که این پل واقع بین سه قاره اروپا و آسیا و آفریقا را برای مقاصد نظامی و سیاسی خود تحت نفوذ خود قرار دهند. در گذشته انگلستان برای تحکیم و تأمین راه خود به هندوستان و حفظ آن کشور بزرگ و روسیه برای دسترسی به خلیج فارس و تحصیل بنادر آزاد اقدامات گوناگون کرده و رقابتهای بیشمار نموده و زحمت بسیاری برای کشورهای خاورمیانه فراهم کردند ولی از جنگ بین الملل دوم به بعد کشورهای خاورمیانه علاوه بر وضع جغرافیائی و نظامی و سیاسی خود جنبه دیگری پیدا کرده اند که نه تنها روس و انگلیس

بلکه امریکا هم توجه بسیاری بآن پیدا کرده و در حال حاضر تقریباً تمام کشور های جهان باین منطقه مهم علاقه خاصی پیدا کرده اند و این همان جنبه اقتصادی (یا به عبارت بهتر نفتی) آن است که توجه همه جهانیان را بخود جلب کرده است. امروز هندوستان و پاکستان مستقل شده و از زیر بار استیلای انگلیس رهائی یافته اند. کشورهای عربی هر يك استقلال خود را بدست آورده و در راه تحکیم و استقرار آن قدم برمیدارند. ملاحظیات استعماری و سیاسی بطرز قدیم جای خود را بنظریات اقتصادی و نفتی داده است و در این میان علاوه بر مدعیان سابق رقیب نیرومند جدیدی بمیدان آمده و در صحنه سیاست و اقتصاد خاورمیانه نقش بسیار مهمی را بازی میکند که امریکا باشد. در فصل اول اهمیت نفت را در زندگی اقتصادی جهان تاحدی شرح داده و اکنون بتوضیح مقام نفت خاورمیانه در اقتصاد دنیا که مهمترین عامل جلب توجه و علاقه کشور های بزرگ باین ناحیه جهان شده است میپردازیم :

از جنگ بین الملل اخیر تا کنون یعنی در فاصله هفده سال مصرف نفت در دنیا دو برابر ونیم شده و اگر چه این افزایش در تمام نقاط جهان صورت گرفته است معیناً از لحاظ نسبی مصرف نفت در کشورهای کشاورزی و نیمه صنعتی زیادتیر بوده است. طبق پیش بینی ها و برآوردی که متخصصین و اهل خبره کرده اند مصرف نفت باز هم روز بروز افزایش خواهد یافت و چون معادن نفت پس از استخراج و تولید عمر محدودی دارند و مقدار نفت موجود در آنها پس از چندی تمام خواهد شد کایه توجهات معطوف باین است که عملیات کاوش برای نفت بدون توقف ادامه یابد تا این منبع نیرو برقرار و پایدار بماند. از این رو هر کشوری که نفت دارد و مصرف آن هم زیاد است سعی میکند که منابع نفتی خود را حتی المقدور با صرفه و احتیاط استخراج کرده و از اسراف و تبذیر جلوگیری نماید.

امریکا تنها کشوری است که تولید و مصرف نفت آن بر دیگر کشورهای جهان برتری دارد و در سالهای اخیر تحول عمده ای در وضع منابع نفتی آن رخ داده که از هر حیث شایان توجه مخصوص میباشد.

در سال ۱۹۳۸ محصول نفت خام ایالات متحده امریکا ۱۶۴۵۰۰۰۰ تن متریک و مصرف نفت آن ۱۲۸۴۰۰۰۰۰ تن متریک بوده که تفاوت بین این دو رقم مقداری بود که امریکا به اروپا و سایر کشورهای جهان صادر میکرد.

در سال ۱۹۵۴ محصول نفت خام ایالات متحده امریکا ۳۱۱۸۰۰۰۰۰ تن و مصرف آن در حدود ۳۴۰۰۰۰۰۰۰ تن بوده که کشور مزبور قریب پنجاه ملیون تن واردات نفتی از خارج داشته است.

افزایش عظیم مصرف نفت در امریکا نگرانیهایی را ایجاد کرده است که توجه سیاستمداران و شرکتهای نفت معطوف بآن میباشد و همواره سعی میشود که بوسیله کشف منابع جدید از حدت آن کاسته گردد.

در ژانویه ۱۹۵۱ مستر ترومن رئیس جمهور امریکا کمیونی از متخصصین

انتخاب کرد که درباره مواد خام مورد احتیاج صنایع امریکا مطالعات دقیقی نموده و معلوم دارد که دولت برای تأمین مواد مزبور در سالهای آینده چه اقداماتی باید بنماید. ریاست این کمیسیون با مستر ویلیام پالی ۱ بود که سال بعد گزارش خود را در پنج جلد کتاب قطور منتشر کرد.

در این گزارش گفته شده است که مصرف نفت ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۷۵ به دو برابر مصرف ۱۹۵۰ (یعنی قریب پانصد و پنجاه و پنج میلیون تن) خواهد رسید و مصرف نفت تمام جهان در ۱۹۷۵ به ۱۳۵۰ میلیون تن بالغ خواهد شد. در چنین وضعی و با قید اینکه استخراج نفت در امریکا بطرز عادی افزایش یابد و ذخایر کافی کشف گردد، امریکا در سال ۱۹۷۵ ناچار خواهد بود که سالی یکصد و بیست و سه میلیون ونیم تن از خارج وارد نماید تا مصرف خود را تأمین کند. مطالبی که در گزارش مزبور ذکر شده است مبتنی بر اطلاعات و آمار دقیق بوده و مانند گزارشهای پیش که هر چند یکبار برای مقاصد تبلیغاتی و تهیه زمینه برای اینکه شرکت‌های امریکایی امتیازات نفت بیشتری در کشورهای دیگر تحصیل نمایند نبوده است.

در بخش هفتم از فصل اول آخرین ارقام راجع به ذخایر نفت جهان که در دسترس بوده و منتشر گشته است ذکر شده ولی از آنوقت تا کنون کشفیات جدید تری در کشورهای های خاورمیانه بخصوص در عراق و کویت و عربستان سعودی شده که تأیید میکند تقریباً دو سوم ذخایر نفت جهان (باستثنای روسیه و کشورهای مؤتلف آن) در زیر زمین های خاورمیانه مدفون است. در حال حاضر تمام نفت خاورمیانه از ششصد چاه استخراج میشود و روزانه قریب چهارصد و چهل و سه هزار تن نفت از این چاه ها خارج میگردد در صورتیکه در سایر کشورهای نفت خیز هزاران چاه باید حفر کنند تا چنین استخراجی را بدست آورند. مثلاً سال گذشته در ایالات متحده امریکا پنجاه و سه هزار چاه نفت حفر شد تا توانستند محصول را به میزان معمول آن کشور نگاه دارند.

امروز همه کشورهای صنعتی جهان بخصوص امریکا توجه زیادی بتأمین احتیاجات نفتی خود دارند و کاملاً با اهمیت نفت خاورمیانه پی برده و چشمهای خود را با دقت تمام بر آن دوخته اند. احتیاج به نفت و هر گونه مواد خام دیگری که برای حرکت دادن چرخهای صنعت لازم و ضروری باشد تولید علاقه میکند و پشت سر این علاقه سیاست و دیپلوماسی وارد معرکه میگردد و همینکه اصطکاک منافع سیاسی پیش آمد کند جدال و مبارزه میان می آید و ملاحظات نظامی و تأمین تولید میشود. امریکا تا جنگ اخیر چندین بار علاقه ای به خاورمیانه نداشت. افزایش مصرف نفت در آن کشور و احتیاج به نفت خاورمیانه موجب شده است که علاقه مند شده و در صحنه سیاست کشورهای خاورمیانه نقش مهمی را بازی کند. پیش از جنگ اخیر قسمت مهم نفت مورد احتیاج کشورهای اروپا از امریکا می آمد ولی اکنون تقریباً تمام نفت اروپا از خاورمیانه تحصیل میشود و بتدریج نفت خاورمیانه بیازارهای امریکا هم وارد میگردد.

در سال ۱۹۴۳ یکی از کمیته های مجلس سنای امریکا که ریاست آن با سناتور ترومن (که بعداً رئیس جمهور شد) بود گزارشی در باب نفت به مجلس سناده و چنین پیشنهاد کرد :-

« پیشنهاد می‌کنیم که سرمایه‌اتباع امریکا در استخراج منافع نفت خارج توسعه‌ی زیادتری یافته و دولت امریکا مساعدت کامل و جامعی از راه دیپلوماسی باشركتهای نفت امریکائی که در کشورهای خارجه کار میکنند بنماید. »

اندک نظری به توسعه‌ی سیاست امریکا در خاورمیانه طی سالهای اخیر معلوم میدارد که توجه و علاقمندی ایالات متحده‌ی امریکا بکشورهای مزبور ناشی از نفت بوده و ملاحظات سوق العیاشی و سیاسی تابع نظریات اقتصادی میباشد که از آن سرچشمه گرفته است. همین نظر در مورد سیاست کنونی انگلستان در خاورمیانه مشهود است چه پس از استقلال هندوستان و پاکستان تنها عامل مهمی که باقیمانده و علاقمندی انگلیس را به خاورمیانه استوار کرده است همان نفت میباشد.

مجاهدات کنونی برای تحصیل نفت اکنون دوجنبه پیدا کرده است یکی اقتصادی و دیگری تأمینی. از لحاظ اقتصادی نفت تولید انرژی میکند و انرژی برای جریان صنعت ضروری است. از لحاظ تأمینی، نفت در موقع جنگ بزرگترین و مهم‌ترین عامل پیشرفت است و هر کشور مال اندیشی که بخواهد این عامل مهم را در اختیار داشته باشد باید در تحصیل آن هنگام صلح و آرامش بکوشد و مانع شود که دشمن احتمالی بآن دسترسی یابد. آنانی که علاقمند بوقایع تاریخی میباشند و حوادث تاریخی را مطالعه و بررسی میکنند بسهولت پی‌خواهند برد که کلیه‌ی وقایع بیست سال اخیر که در کشورهای خاورمیانه رخ داده چه مستقیم و چه غیرمستقیم مربوط به نفت بوده است.

کشورهای نفت خیز خاورمیانه بین اروپا و آسیا و آفریقا قرار گرفته و بسهولت می‌توانند احتیاجات نفتی کلیه‌ی کشورهای این سه قاره را تأمین نمایند. اکنون دیگر احتیاجی نیست که نفت امریکا باروپا بیاید و ترتیب تقسیم و توزیع نفت دنیا طرز جدیدی پیدا کرده که خاورمیانه میتواند کلیه‌ی احتیاجات نیم کره‌ی شرقی را تأمین نماید. این ترتیب خیلی بنفع امریکا می‌باشد زیرا از طرفی شرکتهای امریکائی بیش از شصت درصد نفت خاورمیانه را در دسترس داشته و از تجارت نفت در نیم کره‌ی شرقی شصت درصد استفاده میکنند و از طرف دیگر منابع نفتی خود را حتی الامکان محفوظ نگاهداشته و مانند ایام جنگ اخیر مجبور نیستند که مصرف اروپای غربی را تأمین نمایند. سیاست نفتی کشور های بزرگ غرب این شده است که بتدریج با استخراج نفت خاورمیانه بیافزایند و در ایام صلح هر چه ممکن باشد از این منبع استفاده نمایند تا اگر جنگ وجدالی بیش آید ذخایر نفتی امریکا را برای روزهای مبادا حفظ و نگاهداری کنند و بعید نیست که در آینده‌ی نزدیکی استخراج نفت خاورمیانه را بسالی دویست و پنجاه ملون تن برسانند. اگر جنگی بین شرق و غرب در گیرد کشورهای خاورمیانه یکی از هدف های اصلی طرفین خواهد بود تا بمنابع نفتی آن یادسترسی یافته و یا غریبهها را از استفاده‌ی آن محروم دارند و غریبهها هم مجاهدت خواهند نمود که این منابع را برای خود نگاهدارند. بنا بر این اگر مبارزه‌ای در گیرد وجود نفت موجب سرایت آتش فتنه باین منطقه جهان خواهد بود و از آنچه در بالا گفته شد معلوم است که نفت خاورمیانه چه اهمیت فوق‌العاده‌ای از لحاظ سیاست و اقتصاد پیدا کرده و تا چه اندازه طالبین علاقه مند بآن شده‌اند.

بخش دوم - نفت ایران

این کتاب چند فصل بخصوص درباره نفت ایران دارد که تمام شئون مختلف آن را تشریح و تجزیه و تحلیل کرده است و در این جا فقط باین اکتفا می شود که بگوئیم ذخایر کشف شده نفت ایران طبق ارقام منتشره در سال ۱۹۵۳ در حدود ۱۷۲۲۳۰۰۰۰ تن متریک تخمین شده است. این برآورد مربوط به معادن کشف شده می باشد و هنوز در قسمت های شمالی و شرقی و بخصوص جنوب شرقی ایران کاوش های علمی نشده و ذخایر حقیقی نفت این کشور معلوم نگشته است. عملیات استخراج نفت در ایران محدود بدو حوزه است: اول حوزه ای که سابق جزو امتیاز شرکت نفت بریتانیا بود و اینک بموجب قرارداد جدید از طرف کنسرسیوم بهره داری می شود.

دوم حوزه نفت شاه که نزدیک قصر شیرین واقع شده و از معدن نفت نسبتاً کوچکی که بین ایران و عراق مشترک است مصرف بالایشگاه کرمانشاه را تأمین می نماید و این حوزه را چند سال است که شرکت ملی نفت ایران اداره می کند. در نزدیکی قم هم مدتی است که عملیات کاوش ادامه دارد ولی هنوز به نتیجه ای نرسیده است و در سمنان هم چاه هایی حفر شده که می گویند بنفت رسیده ولی اطلاعات صحیحی راجع بآن منتشر نگشته و نفتی هم تا کنون از آن استخراج نشده است.

بخش سوم - نفت عراق

اختلافات مرزی بین ایران و امپراتوری عثمانی که طی هفتاد سال دوام داشت سبب شد که یک کمیسیون بین المللی مرکب از نمایندگان ایران و عثمانی و انگلیس و روس در سال ۱۹۱۳ خط مرزی بین دو کشور را علامت گذاری نمایند. این کمیسیون در عرض یکسال کار خود را انجام داد و خط مرز را علامت گذاری کرد که در نتیجه آن هفتصد میل مربع (۱۸۱۳۰۰ هکتار) از خاک ایران واقع در شمال و جنوب قصر شیرین به عثمانی واگذار گردید و اراضی مزبور بعدها به نام «اراضی انتقالی» خوانده شد. نظر باینکه دولت ایران امتیاز نفت را در تمام کشور باستانی پنج ایالت شمالی در ۱۹۰۱ به داری داده بود موقعی که کمیسیون مزبور میخواست علامت گذاری مرزی را شروع نماید دولت عثمانی تعهد کرد هرگاه قسمتی از خاک ایران که جزو امتیاز داری می باشد به عثمانی واگذار شود حقوق امتیازی به داری در اراضی مذکور محترم شناخته خواهد شد.

پس از جنگ بین المللی اول شرکت نفت بریتانیا (شرکت سابق نفت ایران و انگلیس) باستناد تعهدی که دولت عثمانی سپرده بود کاوش را برای نفت در اراضی انتقالی واقع در شمال و جنوب قصر شیرین شروع کرد و در آنوقت اراضی مزبور جزو

خاک عراق محسوب میشد. در نقطه‌ای واقع در نزدیکی خانقین موسوم به نفت خانه عملیات کاوش و حفر در سال ۱۹۱۹ شروع شد و چهار سال بعد اولین چاه بنفت رسید. معدن نفت مزبور که قسمتی از آن در خاک عراق و موسوم به نفت خانه و قسمت دیگرش در خاک ایران و موسوم به نفت شاه است طولش قدری کمتر از سیزده کیلومتر و عرض آن نزدیک به دو کیلومتر و نیم است که در عمق ششصد و هفتاد متری زیر زمین مدفون شده است. قطر صخره نفتی معدن مزبور هفتاد و شش متر می باشد که نسبت بسایر معادن نفت خاور میانه حقیر و کوچک محسوب میشود.

در سال ۱۹۲۳ اولین چاه این معدن در خاک عراق بنفت رسید و این اولین نفتی بود که در عراق استخراج میشد.

در سال ۱۹۲۵ دولت عراق تعهد سابق دولت عثمانی را بشکل امتیازی در آورد و شرکت نفت بریتانیا امتیازی برای استخراج نفت در « اراضی انتقالی » اعطا کرد که شرایط آن همان شرایط امتیاز داری بود ولی پس از یک سال در امتیاز مزبور تجدید نظر نمود و حق الامتیاز دولت عراق از شانزده درصد عایدی خالص تبدیل به چهار شلینگ طلا در هر تن شد. ضمناً شرکت نفت بریتانیا شرکت تابعه‌ای بنام « شرکت نفت خانقین » تشکیل داد که تمام سهام آن متعلق به شرکت نفت بریتانیا بود و کلیه حقوق امتیازی خود را باین شرکت جدید واگذار نمود. در امتیاز جدیدی که شرکت نفت خانقین از دولت عراق تحصیل نمود شرط شده بود که پالایشگاهی در خانقین بنا کند که احتیاجات نفتی شمال عراق را تأمین نماید. در سال ۱۹۲۷ پالایشگاه مزبور که میتوانست سالی یکصد و پنجاه هزار تن نفت را تصفیه نماید در خارج شهر خانقین و در کنار رودخانه الوند افتتاح و آماده کار گشت. ساختن این پالایشگاه کمک بزرگی به توزیع محصولات نفتی در عراق نمود و مخصوصاً موجب شد که سوخت ارزان برای تلمبه‌هایی که در کنار رودخانه های دجله و فرات کار گذاشته میشد و برای توسعه کشاورزی عامل مهمی بود تهیه گردد. از موقعیکه معدن نفت خانه شروع باستخراج کرده تا آخر سال ۱۹۵۲ پنج میلیون تن نفت از آن استخراج شده و در عراق بفروش رفته است و این نکته شایان نهایت توجه و دقت است که معدن نفت خانه و نفت شاه یکی است و اگر عراقیها در قسمت خود بیش از میزانی که در نفت شاه استخراج میشود نفت استخراج کنند بضرر و زیان ایران خواهد بود و امید چنان است که اولیای شرکت ملی نفت این نکته مهم را همیشه در نظر داشته و منافع کشور را محفوظ دارند.

تا ۱۹۵۱ که مصرف قسمت های جنوب عراق از آبادان میآمد محصول نفت خانه در حدود سالی سیصد و هفتاد و پنج هزار تن بود ولی از آن ببعد افزایش یافت و در سال ۱۹۵۲ به نیم میلیون تن رسید. از ۱۹۲۶ که نفت خانه شروع باستخراج کرد تا آخر سال ۱۹۵۲ دولت عراق یک میلیون و نهصد هزار لیتره حق الامتیاز از شرکت نفت خانقین دریافت داشته است.

در سال ۱۹۵۱ قرارداد جدیدی بین دولت عراق و شرکت نفت خانقین منعقد گردید

که بموجب آن دولت عراق پالایشگاه الوند و کلیه تأسیسات فروش شرکت رافدین (که شرکت تابعه دیگری از شرکت نفت بریتانیاست و برای توزیع محصولات نفتی در عراق تشکیل شده بود) را بقیمت روز خریداری میکرد. امتیاز شرکت نفت خائقین در اراضی انتقالی به حال خود باقی میماند ولی حق الامتیاز دولت عراق عوض شده و روی اصل تنصیف منافع قرار میگیرد. محصول معدن نفت خانه هم تا موقعی که برای مصرف داخلی لازم است در پالایشگاه الوند تصفیه میشود و بعد از آن اگر احتیاجی بدان نبود صادر میگردد ولی اگر شرکت نفت خائقین وسایل صدور آن را تا سال ۱۹۵۹ فراهم نکند امتیاز از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. بعد هم قیمت پالایشگاه الوند و تأسیسات فروش تقویم شد و دولت عراق یک میلیون و سیصد هزار لیره برای کلیه تأسیسات مزبور پرداخت و مالک آن ها شد.

در بخش چهارم از فصل سوم داستان نفت عراق را تا ۱۹۲۵ و تشکیل شرکت نفت ترکیه را شرح دادیم و اینک بقیه داستان مزبور میپردازیم.

امتیازی که دولت عراق در ۱۹۲۵ بشرکت نفت ترکیه داد برای مدت هفتاد و پنج سال بود و حق الامتیاز هم عبارت بود از چهار شلینگ طلا برای هر تن نفتی که استخراج میشد. سایر شرایط مهم امتیاز بقرار زیر بود:

در ظرف سه سال باید حفر چاه نفت شروع شود و اقل پنج دستگاه حفر توأماً بکار افتد و پس از سه سال حفر ادامه یافته و دست کم سالی ۳۶۵۷ متر حفر گردد. شرکت باید در عرض سی و دو ماه بیست و چهار قطعه اراضی که هر یک ۲۰۷۲ هکتار باشد برای بهره برداری خود انتخاب نماید و بنمایندهای دولت بیست و چهار قطعه دیگر هم انتخاب نموده تا دولت بهر کس طالب باشد بطریق مزایده واگذار نماید.

نزدیک به سه سال طول کشید تا شرکتهای مختلفی که سهامی در شرکت نفت ترکیه داشتند بین خود توافق حاصل کردند و از جمله شرایط فوق بین آنها این بود که شرکت نفت ترکیه در انگلستان به ثبت برسد و رئیس هیئت مدیره آن همیشه یک نفر انگلیسی باشد و عملیات شرکت مزبور منحصر به استخراج و حمل و نقل نفت باشد (تا محصول را به تناسب سهامی که دارند بین شرکتهای صاحب سهم بقیمت تمام شده تقسیم نماید و خود حق فروش و توزیع را نداشته باشد) و قبل از تقسیم محصول ده در صد آن را بشرکت نفت بریتانیا (شرکت سابق نفت ایران و انگلیس) در ازای واگذاری قسمتی از سهام خود بگروه امریکائی مجاناً تحویل دهد. شرط مهم دیگری که بین آنها شد این بود که عموم شرکتهایی که در شرکت نفت ترکیه دخیل بودند متعهد شدند که در حدود خط سرخ رنگی که روی نقشه کشیده بودند امتیازی نگیرند و اگر تحصیل نمودند آنرا واگذار بشرکت نفت ترکیه بنمایند. این قرارداد معروف به «قرارداد خط سرخ» شد و منطقه ای که در این خط سرخ واقع شده عبارت از تمام خاک امپراتوری سابق عثمانی به استثنای کویت بود.

در سال ۱۹۲۵ جامعه ملل تأیید کرد که ولایت موصل جزو خاک عراق است و عهدنامه ای بین دولتین ترکیه و عراق منعقد گردید که تصمیم جامعه ملل را تأیید کرد و

ضمناً دولت عراق تعهد نمود که تا بیست و پنج سال بعد ده درصد از حق الامتیاز نفت خود را بدولت ترکیه بپردازد.

در سال ۱۹۲۷ در محلی موسوم به باباگرگر واقع در شمال کرکوک اولین چاه به نفت رسید و فشار گاز آن بحدی بود که تمام انانیه و دستگاه سرچاه را به اطراف پراکنده کرد و یکپفته تمام آتش سوزی کرد تا بعد آنرا تحت کنترل در آوردند. پس از حفر این چاه عملیات حفاری بسرعت پیش رفت و معلوم شد که معدن نفت کرکوک بسیار مهم و وسیع است. طول این معدن قریب به نود و شش کیلومتر میباشد و جزو یکی از بزرگترین معادن نفت جهان محسوب میگردد.

کشف این معدن ثابت کرد که عراق یکی از بزرگترین کشورهای نفت خیز جهان است و شرکت نفت ترکیه که امتیاز این ناحیه را بدست آورده بود در زمره شرکت های بزرگ نفت جهان قرار گرفت.

از ابتدای امر شرکت نفت ترکیه بطریقه انتخاب قطعات مختلف برای بهره برداری راغب نبود و در ۱۹۲۷ تقاضای تمدید مدت برای انتخاب اراضی کرد و تا چند سال این تقاضای تمدید ادامه یافت ولی در ۱۹۲۹ دولت عراق اخطار کرد که اراضی منتخبه باید معلوم گردد. در این گیر و دار یک شرکت دیگری بنام شرکت بریتانیایی توسعه نفت مرکب از سرمایه داران انگلیسی و ایتالیایی بیدان آمده تقاضای امتیاز نفت در اراضی که خارج از حوزه امتیاز شرکت نفت ترکیه بود کرد و ضمناً بدولت عراق وعده داد که راه آهنی از بغداد بمدیترانه خواهد ساخت. دولت عراق از این پیشنهاد استفاده کرده ورقابتی بین این شرکت و شرکت نفت ترکیه ایجاد کرد که بالمآل منتهی بتجدید نظر در امتیاز ۱۹۲۵ (که بشرکت نفت ترکیه داده شده بود) گردید.

در ۱۹۳۱ قرارداد جدیدی بین شرکت نفت ترکیه و دولت عراق منعقد گردید که شرایط آن بقرار زیر بود:

حق الامتیاز همان چهار شیلینگ طلا برای هر تن بود. انتخاب اراضی موقوف گردید و حوزه امتیازیه محدود به ۸۲۸۸۰۰۰ هکتار اراضی از ولایات بغداد و موصل واقع در قسمت شرقی رود دجله گردید. اسم شرکت نفت ترکیه هم مبدل بشرکت نفت عراق گردید. شرکت مزبور تعهد کرد که خط لوله ای بطرفیت سه میلیون تن در سال از کرکوک بدریای مدیترانه کشیده و ساختن آن را تا ۱۹۳۵ باتمام رساند و ضمناً تعهد نمود که بطور مساعده سالی چهارصد هزار لیره طلا بدولت عراق بابت حق الامتیاز بپردازد تا بعد که نفت عراق بی بازار رسید از درآمد آتیه کسر بگذارد.

پس از امضای این قرارداد صاحبان سهام شرکت نفت عراق هم بین خود قراری گذاشتند که ده درصد محصول را که طبق قرار سابق باید بشرکت نفت بریتانیا مجاناً بدهند تقلیل داده و به هفت و نیم درصد رسانند.

همینکه دولت عراق خود را آزاد دید که امتیازاتی در غرب رود دجله اعطای نماید

باشرکت بریتانیایی توسعه نفت داخل مذاکره شد که امتیازی بآن بدهد. در آنوقت ۴۶ درصد از سهام شرکت مزبور متعلق بانگلیسها و سی درصد متعلق بایتالیائیها و دوازده درصد متعلق بگروهی از فرانسویها و سوئیسیها و دوازده درصد بقیه متعلق به گروه دیگری از آلمانها و هلندیها بود. در سال ۱۹۳۲ شرکت مزبور موفق بتحصیل امتیازی در تمام قسمت غربی رود دجله که قریب دوازده میلیون هکتار بود گشت. شرایط امتیاز این بود که از سال اول شرکت مزبور سالیانه یکصد هزار لیتر طلا بدولت عراق بپردازد و بعداً این مبلغ را بدویست هزار لیتر برساند و بعد که استخراج شروع شد آنرا قطع نماید. حق الامتیاز چهار شلینگ طلا برای هر تن بود باضافه بیست درصد از نفتی که استخراج میشود. شرکت نیز تعهد کرد که خط لوله ای بظرفیت یک میلیون تن در سال بمدیترانه بکشد و این کار را هفت سال و نیم پس از استخراج بانجام رساند.

در سال ۱۹۳۷ شرکت نفت عراق امتیاز فوق را خریداری کرد و نام شرکت بریتانیایی توسعه نفت را تبدیل به شرکت نفت موصل نمود. عملیات اکتشافی این شرکت در بیست نقطه مختلف واقع در غرب رود دجله جریان داشت ولی منابع عمده ای تا اوایل جنگ اخیر کشف نگردید.

چهارمین امتیازی که دولت عراق برای استخراج نفت داد شامل ولایت بصره و تمام خطه جنوب عراق بود. در سال ۱۹۳۸ شرکت نفت عراق قرار دادی با دولت منعقد کرد که شرایط آن بقرار ذیل بود:

مدت امتیاز هفتاد و پنج سال — حق الامتیاز چهار شلینگ طلا برای هر تنی که استخراج میشود باضافه بیست درصد از محصول — پرداخت سالی دویست هزار لیتر طلا بدولت تا موقعیکه استخراج شروع گردد — تعهد به حفر چاه هایی که هر سال لااقل مجموع عمق آنها ۳۶۵۷ متر باشد و پس از کشف نفت و استخراج حفر سالی ۶۰۹۶ متر چاه — تعهد حمل حداقل یک میلیون تن نفت بساحل دریا برای صدور در ظرف هفت سال و نیم از تاریخ عقد امتیاز.

پس از عقد قرارداد فوق شرکت نفت عراق شرکت دیگری بنام « شرکت نفت بصره » تشکیل داد که تمام سهام متعلق بخود آن بود و در واقع شرکت تابعه آن بود و امتیاز فوق را بآن واگذار کرد که عمل نماید.

در سال ۱۹۳۹ که جنگ بین المللی اخیر شروع گشت وضع صنعت نفت عراق

بشرح زیر بود:

شرکت نفت خانقین (یکی از شرکتهای تابعه شرکت نفت بریتانیا) امتیاز استخراج نفت را در اراضی انتقالی از ایران داشت. شرکت نفت عراق که امتیاز استخراج نفت را در ولایات بغداد و موصل در شرق دجله دارا بود. شرکت نفت موصل (شرکت تابعه شرکت نفت عراق) که امتیاز واقعه در غرب رود دجله را داشت. شرکت نفت بصره (شرکت تابعه شرکت نفت عراق) که امتیاز نواحی جنوبی عراق را داشت. استخراج برای مصرف داخلی از معدن نفت خانه صورت میگرفت و محصول معادن کرکوک اختصاص بصدور داشت. دورشته خط لوله هر یک به قطر سی سانتیمتر و چهل

وهشت صدم سانتیمتر (دوازده اینچ) معادن کرکوک را به حیفا و طرابلس در کنار ساحل مدیترانه متصل می کرد و مقدار نفتی که صادر میشد در حدود سالی چهار میلیون تن بود . حق الامتیازی که از چهار امتیاز مذکور فوق عاید دولت عراق می شد متجاوز از سالی دو میلیون ایره بود .

در موقع جنگ از لحاظ خطری که ممکن بود از طرف آلمانها پیش آید قسمت عمده چاههای نفت کرکوک را مسدود کردند و مقدمات کار را طوری فراهم کرده بودند که اگر حمله آلمانها آغاز گردد معدن مزبور را برای مدتی از کار بیندازند و ضمناً چون شرکت های نفت قادر بانجام تعهدات خود از حیث حفر چاه و صدور نفت نبودند مهلتی از دولت عراق گرفته و در عوض مساعده های نقدی بدولت پرداختند . پس از ۱۹۴۱ که خطر آلمانها مرتفع گردید معدن کرکوک دوباره شروع بکار کرده و در ۱۹۴۵ میزان استخراج آن بمقدار قبل از جنگ رسید .

واقعه قابل ملاحظه ای که در ایام جنگ رخ داد و اختلاف بزرگی بین صاحبان سهام نفت عراق ایجاد کرد این بود که پس از اشغال فرانسه توسط آلمانها دولت انگلیس سهام فرانسویها را در شرکت نفت عراق بمنزله اموال دشمن تلقی کرد و ضبط نمود و چون گلبنگیان هم مقیم فرانسه بود همین معامله را با او نمود و بالتیجه از تحویل نفت عراق بفرانسویها و گلبنگیان خودداری می شد . علاوه بر این گروه امریکائی که در شرکت نفت عراق سهام بود میل داشت که در امتیاز نفت عربستان سعودی و سایر نقاط خاورمیانه شرکت نماید و « قرارداد خط سرخ » را باطل نماید لذا اعلام کرد که قرارداد مزبور بواسطه نقض عهد فرانسه ملغی می باشد . فوری پس از جنگ فرانسویها و گلبنگیان بلغو این قرارداد اعتراض کرده و در محاکم انگلیس بر علیه گروه امریکائی اقامه دعوی نمودند . چند سالی این دعوا بطول انجامید و در سال ۱۹۴۸ توافق بین طرفین حاصل گردید که صاحبان سهام شرکت نفت عراق الغای « قرارداد خط سرخ » را قبول کرده و دعوا را بمصالحه برگذار کردند .

پس از جنگ عملیات شرکت های نفت که در عراق مشغول کار بودند رو بتراید گذاشت و مخصوصاً محصول معادن کرکوک افزایش قابل ملاحظه ای پیدا کرد بطوریکه در آخر سال ۱۹۵۳ اعلام شد که تا آنوقت صد میلیون تن نفت از معادن مزبور استخراج گشته است . شهر کرکوک هم از برکت معادن نفت مجاور آن دارای برق مجانی و آب لوله شد که شرکت نفت عراق برای آن تهیه کرد . ساختن خانه برای کارگران و تهیه رفاه و آسایش آنان توأم با ایجاد مدارس حرفه ای برای تربیت کارگران عراقی و ساختن بیمارستانها و درمانگاهها و مدارس ابتدائی و متوسطه سطح زندگی کارگران و کارمندان نفت را ترقی داد .

فوری پس از جنگ دو خط لوله جدید هر یک بقطر چهل سانتیمتر و شصت و چهار صدم سانتیمتر (۱۶ اینچ) از کرکوک بمدیترانه ساخته شد که قریب چهل میلیون ایره خرج آن گردید ولی خط جنوبی که به حیفا میرفت بواسطه اختلافات بین عراق و اسرائیل در ۱۹۴۸ متوقف گشت و دیگر دولت عراق اجازه نداد که از آن استفاده بشود . در

سال ۱۹۵۲ خط لوله بزرگتری که در بعضی قسمتها قطر آن هفتاد و شش سانتیمتر و بیست صدم سانتیمتر (۳۰ اینچ) و در قسمتهای دیگر قطر آن هشتاد و یک سانتیمتر و بیست و هشت صدم سانتیمتر (۳۲ اینچ) بود ساخته شد که کرکوک را به بندر بانیا در شمال طرابلس در کنار ساحل مدیترانه متصل می ساخت . خرج ساختن این خط هم چهل ملیون لیره شد و ۶۵۰۰۰ تن لوله برای ساختن آن مصرف گردید . ساختن این خطوط مختلف اکنون موجب شده است که بتوان سالی بیست ملیون تن نفت از معادن کرکوک صادر نمود .

اخیراً شرکت نفت عراق ابتکار دیگری بخرج داده که میزان صادرات نفت عراق را از بندر مدیترانه زیادتر خواهد کرد . تاکنون معمول این بوده است که لوله های نفت صادراتی را بین مناطق نفت خیز و بندر صدور احداث می کردند تا اینکه نفت را بسهولت به بندر رسانده و از آنجا بکشتی برسانند . شرکت نفت عراق اخیراً دست بساختن لوله جدیدی زده که بین شهر حمس واقع در سوریه و بندر تریپولی واقع در ساحل لبنان ایجاد خواهد شد . طول آن ۱۲۰ کیلومتر و قطر آن ۵۰ سانتیمتر خواهد بود . منظور شرکت نفت عراق از احداث این لوله از شهر حمس که معدن نفتی ندارد این است که بر ظرفیت لوله های نفت موجود خود بیفزاید . شهر حمس بمنزله یک انبار بزرگ نفت میباشد که هر سال مقادیر فراوانی نفت از عراق با آنجا وارد میشود و در انبار های فولادی ذخیره میگردد . خط لوله جدید وسیله ای خواهد شد که نفت انبار های مذکور را در مواقع مقتضی بساحل مدیترانه برساند .

در حوزه امتیاز به بصره در محلی باسم زیر که در بیست و چهار کیلومتری جنوب غربی بصره واقع گشته است معدن مهم نفتی در ۱۹۴۸ کشف گردید . بین تمام معادن نفت خاورمیانه معدن زیر از همه عمیق تر است و چاه هایی که حفر شده بین دوهزار و چهارصد و سه هزار و چهارصد متر میباشد . خط لوله ای از زیر به فو دردهنه خلیج فارس کشیده شده که قطر آن سی سانتیمتر است و در سال ۱۹۵۳ خط لوله دومی ساخته شد که قطر آن قریب به شصت و یک سانتیمتر است .

پس از مدتی مذاکره و مباحثه بین دولت عراق و سه شرکت نفت عراق و شرکت نفت موصل و شرکت نفت بصره که در واقع هر سه یک شرکت واحد باسامی مختلف میباشد در سال ۱۹۵۱ قرارداد جدیدی بین دولت و شرکتهای مزبور منعقد گردید . در این موقع دولت عراق سیاست واقع بینی را پیش گرفته و در مذاکرات خود با شرکتهای نفت حداکثر استفاده را از وضعی که در ایران پیش آمده بود نمود . از طرفی جداً تقاضا کرد که استخراج نفت در عراق افزایش یابد و از طرف دیگر شرایط امتیاز را طوری تنظیم نمود که دارای ضمانت های مؤثر باشد و ضمناً درجین مذاکرات شرکت های نفت گوشزد کرد که اگر شرایط مناسبی پیشنهاد ننمایند ملت عراق از ایرانیان پیروی کرده و نفت خود را ملی خواهد کرد . شرایط مهم این قرارداد جدید بشرح زیر است :

۱ - در موضوع حق الامتیاز طرفین اصل تنصیف در آمد حاصله از نفت را قبول

کردند و لسی دولت عراق برای اینکه تضمین کافی داشته باشد موادی در قرارداد گنجانده که اگر این نصف درآمد کمتر از مبالغ زیرین باشد دولت عراق حق خواهد داشت هر یک از مبالغ زیرین را که بیشتر است بجای حق الامتياز وصول نماید .

(الف) شرکتهای نفت در قرارداد جدید تعهد کرده اند که درآمد دولت عراق در هر سال هیچگاه از ربع « بهای اعلان شده » مجموع نفتی که شرکتهای نفت عراق و موصل بدست میآورند و یک سوم « بهای اعلان شده » مجموع نفتی که شرکت نفت بصره بدست میآورند کمتر نباشد . عبارت دیگر دولت عراق حق خواهد داشت که قیمت فروش را قبل از وضع هر گونه هزینه مأخذ قرار داده و در مورد شرکتهای نفت عراق و موصل یک چهارم و در مورد شرکت نفت بصره یک سوم آن را وصول نماید . این تعهد خود موجب کنترل هزینه شده و از حساب سازیهای بیمورد جلوگیری خواهد کرد .

ضمناً « بهای اعلان شده » را در قرارداد تعریف کرده اند که تردیدی باقی نگذارد و گفته اند که « بهای اعلان شده » عبارت از قیمتی است که نوع نفت عراق در بندر صدور با در نظر گرفتن قیمت بازارهای بین المللی بفروش خواهد رفت و اگر نتوانستند « بهای اعلان شده » را با مراجعه بقیمت معمول در بازار جهان تعیین نمایند « بهای اعلان شده » روی اصول عادلانه بر حسب توافق طرفین تعیین خواهد شد و باز اگر چنین توافقی حاصل نشد قضیه را بدواری رجوع میکنند تا داوران آن را تعیین نموده و تشخیص دهند .

برای تعیین نصف درآمد حاصله از نفت عراق هم مقرراتی در قرارداد هست که میگوید درآمد حاصله عبارت است از قیمتی که نفت عراق بفروش میرسد منهای مخارج و مخارج هم عبارت است از خرج استخراج به علاوه تخصیص سالی پنج در صد برای استهلاك سرمایه مصروفه و سالی ده در صد برای انكسار اثاثیه ای که باید پس از مدتی تعویض شود .

(ب) علاوه بر تضمین فوق شرکتهای نفت مجموعاً و منفرداً تعهد کرده اند که مجموع حق الامتياز دولت عراق هیچگاه از سالی بیست و پنج ملیون لیره کمتر نباشد .

۲ - دولت عراق حق دارد که هر سال دوازده و نیم در صد از محصول را در بندر صدور تحویل گیرد یا آنکه قیمت آن را بر حسب « بهای اعلان شده » از شرکت های نفت دریافت دارد و این مقدار جزو درآمد دولت عراق محسوب میگردد .

۳ - شرکتهای نفت تعهد کرده اند که بطریق ذیل حد اقل استخراج را در تمام مدت امتياز تأمین نمایند .

شرکت نفت عراق از سال ۱۹۵۴	بعده سالی	۲۰۷۵۰۰۰۰	تن
شرکت نفت موصل از سال ۱۹۵۴	بعده سالی	۱۲۵۰۰۰۰	«
شرکت نفت بصره از سال ۱۹۵۶	بعده سالی	۸۰۰۰۰۰۰	«

۴ - در مورد مخارج هم مبلغ معینی منظور شده است که تصفیة حساب را آسان می کند و در قرارداد ذکر شده که شرکت های نفت از سال ۱۹۵۲ بعد سیزده شیلینگ

هرتن بابت مخارج محسوب دارند مگر آنکه، در آینده تفاوت فاحشی در مخارج روی دهد که در چنین صورتی تجدیدنظر در آن خواهد شد .

۵ - شرکت نفت عراق تعهد کرده است هر مقدار نفت خامی را که دولت برای مصرف داخلی لازم داشته باشد از قرار هر تن پنج شیلینگ به پالایشگاه دولتی تحویل دهد .

۶ - شرکت های نفت تعهد کرده اند که استخدام خارجیان را بجداقل رسانده و تا موقعیکه کارکنان آزموده عراقی هستند از بیگانگان استخدام نکنند و همیشه یکصد و پنجاه نفر محصلین عراقی را در دانشگاه های انگلستان بخرج خود تربیت نمایند. قرارداد جدید درآمد دولت عراق را در سالهای اخیر افزایش داده و اکنون قسمت عمده درآمد مزبور صرف عمران و آبادی عراق میشود. افزایش درآمد مذکور در سالهای بعد از جنگ بقرار زیر بوده است :

سال	۱۹۴۶
«	۱۹۴۷
«	۱۹۴۸
«	۱۹۴۹
«	۱۹۵۰
«	۱۹۵۱
«	۱۹۵۲
«	۱۹۵۳
«	۱۹۵۴

دولت عراق پالایشگاه بزرگی در بیرون شهر بغداد ساخته است که بزودی بکار خواهد افتاد و هفتاد درصد از درآمد نفت خود را هم اختصاص بکار های عمرانی داده که نتایج سودمند آن از هم اکنون مشهود گشته است . برنامه عمران عراق در پنج سال اول که از ۱۹۵۱ شروع شد یکصد و پنجاه میلیون لیره بالغ گردید و برنامه پنج ساله دوم که بتصویب مجلس عراق رسیده و از سال ۱۹۵۵ آغاز می گردد در حدود سیصد و سی میلیون لیره است . صرف چنین مبالغ هنگفتی سبب خواهد شد که در آینده نزدیکی وضع اقتصادی کشور عراقی که دارای پنج میلیون جمعیت است از کشورهای همجوار خود خیلی بهتر شود . در برنامه پنج سال اول قسمت عمده درآمد نفت صرف ساختن سد و ایجاد انبار و زه کشی اراضی شد که سطح مزروع عراق را توسعه دهد و بقیه بمصرف راه سازی و پل سازی و سایر کارهای عمومی رسید . در برنامه دوم یک سوم درآمد صرف کشاورزی و سد سازی و بقیه بمصرف راه سازی و راه آهن و فرودگاهها و استخراج معادن و ایجاد کارخانه های برق و سایر کارخانه های صنعتی خواهد رسید . بهبودی وضع عراق هم بجدی بوده است که در آخر سال ۱۹۵۴ بانک ملی عراق هفتاد و هشت میلیون لیره ارز در خارج کشور برای خود ذخیره کرده بود . دولت عراق برنامه ای هم برای استفاده از گازهای نفت تنظیم کرده و اجرا می نماید که عبارت است از ایجاد کارخانه

نودهای شیمیایی که ماده خام آن گاز نفت است و هم چنین ایجاد چند کارخانه بزرگ برق که سوخت آنها گاز نفت خواهد بود .

شرکت‌های نفت هم پس از عقد قرارداد های جدید اطمینان بیشتری بآینده کار خود پیدا کرده و عملیات خویش را بسیار توسعه داده اند . وضع کنونی معادن نفت عراق بشرح زیر است :

۱- معادن شرکت نفت عراق - از معدن کرکوک تا کنون ۱۳۰ میلیون تن نفت استخراج شده و در تمام دنیا فقط یازده معدن نفت دیگر وجود دارد که محصول آنها از یکصد میلیون تن تجاوز کرده است . محصول کنونی این معدن سالی ۲۴ میلیون تن می باشد و چون استخراج را با چنین میزانی نمی توان ادامه داد عملیات کاوش برای کشف معادن جدید همواره ادامه دارد .

در سال ۱۹۵۳ درسی و دو کیلومتری شمال غربی کرکوک معدنی با اسم بیرحسن و در سال ۱۹۵۳ در پنجاه و شش کیلومتری جنوب شرقی کرکوک معدن دیگری بنام جامبور کشف گردید . معدن جامبور از لحاظ استعداد و استخراج اهمیت بسزائی دارد زیرا طول آن قریب پنجاه کیلومتر و عرض آن شانزده کیلومتر است و تقریباً نصف معدن کرکوک می باشد . نوع معدن مزبور بسیار خوب و امید دارند که از این معدن مقادیر زیادی نفت استخراج کنند . در معدن بیرحسن چاه اولی که حفر شد بنفت نرسید و چاه دوم فقط گاز نفت داشت ولی سومین چاه بنفت رسید و اینک مشغول توسعه عملیات هستند تا حدود و استعداد آن را معلوم نمایند .

۲- معادن شرکت نفت موصل - در طی سالهای متعددی بیش از یکصد چاه در حوزه امتیاز شرکت نفت موصل حفر شد تا نفعی در آنجا کشف شود و پس از کشف هم معلوم گشت که جنس نفت آن زیاد خوب نیست . دو معدن در این حوزه امتیاز به کشف شده است یکی با اسم عین زاله و دیگری بنام بطمه که در سال ۱۹۵۴ قریب يك میلیون و دویست و پنجاه هزار تن نفت از دو معدن مزبور بدست آمد . در معدن بطمه فشار خروج نفت رو بتقلیل می رود و در معدن عین زاله هم آب به بعضی از چاه ها رخنه کرده است . معادن دیگری هم بنام القصیر و عطشان و جبل مکحول کشف شده که هیچیک اهمیت کافی نداشته و جنس آنها بسیار سنگین و فقط با تلمبه می توان از چاه خارج نمود . در این نواحی کاوش های علمی ادامه دارد ولی نتایج سود مندی هنوز بدست نیامده است .

۳- معادن شرکت نفت بصره - دو معدن نسبتاً بزرگ در این ناحیه کشف شده که اولی الزبیر است و استخراج آن در سال ۱۹۵۱ شروع شد . تا کنون ۳۸ چاه در این معدن حفر شده و گفته می شود که فشار خروج نفت در این معدن رو بتقلیل گذاشته است . دیگری معدنی است بنام الرمیله که پنج چاه در آن حفر شده و چندین چاه دیگر را نیز مشغول حفر هستند . حد متوسط عمق چاه های این دو معدن سه هزار و سیصد متر است . در سال ۱۹۵۴ از دو معدن مذکور چهار میلیون و نیم تن نفت استخراج شده و در سال ۱۹۵۵ قرار است که استخراج را به هشت میلیون تن بالا ببرند . در بندر «فواو»

چهار اسکله ساخته شده است که کشتیهای بزرگ پهلو گرفته و نفت گیری کنند و چنانکه پیش گفته شد دو خط لوله هم این دو معدن را به فائو متصل میکند. در سال ۱۹۵۴ در آمد دولت عراق از نفت ۶۷ میلیون لیره بوده و انتظار میرود که در سال ۱۹۵۵ این درآمد به هفتاد و دو میلیون لیره برسد.

در طی سال ۱۹۵۵ مذاکراتی بین دولت عراق و شرکت های نفت جریان داشت که منتهی بتجدید نظری در تعیین «بهای اعلان شده» گردید. طاق قرارداد جدید بهای هر تن نفت عراق در مرز عراق و سوریه از نود و چهار شیلینگ تجاوز کرده و به ۱۰۸ شیلینگ و سه پنس افزایش یافته است و نیز بهای نفت عراق در منطقه خلیج فارس از ۸۱ شیلینگ و نه پنس تجاوز کرده و به ۱۰۹ شیلینگ و یازده پنس رسیده است. لذا بموجب قرار داد جدید هر تن نفت عراق در مرز سوریه ۱۴ دلار و ۹۶ سانتیم خواهد بود (در حالیکه سابق هر تن ۱۳ دلار و ۶۶ سانتیم بود) و در منطقه خلیج فارس هر تن ۱۵ دلار و ۳۸ سانتیم خواهد بود (در صورتی که سابقاً هر تن آن ۱۱ دلار و ۶۶ سانتیم بود). اولیای دولت عراق در اظهارات و بیانات اخیر خود پیش بینی کرده اند که محصول نفت عراق تا سه سال دیگر بسالی چهل و حتی پنجاه ملیون تن خواهد رسید و آفته اند که درآمد نفت عراق در آینده نزدیکی بسالی یکصد ملیون لیره بالغ خواهد گشت.

بخش چهارم - نفت بحرین

در مقدمه باید یاد آور شد که جزایر بحرین متعلق بایران بوده و حکومت فعلی آن جزایر که تحت الحمایه انگلستان است حکومت غاصبی است که از طرف ایرانیان مردود شناخته شده است. امتیازاتی که در جزایر مزبور داده شده و عملیات متعاقب آن همواره مورد اعتراض دولت ایران بوده است و آنچه درباره نفت بحرین در این کتاب نوشته شده فقط شامل داستان نفت آن جزایر میباشد.

در سال ۱۹۲۰ شرکت کوچکی در لندن به ثبت رسید بنام «سندیکای شرقی و عمومی»^۱ که منظور آن تحصیل امتیازاتی در خاور میانه بود. یکی از مدیران این شرکت که از اهالی زلاند جدید و نام او ماژور فرانک هومز^۲ بود اطلاعاتی راجع به خلیج فارس کسب کرده و چون شخص ماجراجویی بود در صدد برآمد که در خاور میانه امتیازات نفت بدست آورده و از آن استفاده نماید. هومز مسافرتی به بحرین و عربستان سعودی و کویت و سایر نقاط کرد و در سال ۱۹۲۵ اجازه انحصاری کاوش برای نفت از شیخ کویت تحصیل نمود که مدت آن دوسال بود و ضمناً هومز میدانست که شیخ کویت در ۱۹۱۴ تعهدی کرده بود که امتیازات و اجازه های او فقط پس از تصویب دولت انگلستان قابل انتقال بدیگران است.

در ابتدا هومز اجازه خود را بشرکت شل و شرکت نفت ایران و انگلیس ارائه داد

(۱) The Eastern and General Syndicate

(۲) Major Frank Holmes

وسعی کرد که آنرا یکی از این دو شرکت بفروش رساند ولی توفیقی در این باب حاصل نکرد. سپس اجازه نامه را با آمریکا برد و کوشش نمود که شرکت نفت استاندارد نیوجرسی را در این کار علاقمند سازد ولی شرکت مزبور هم متعذر باین شد که راه دور و زحمت بسیار و خصوصیات اراضی جزایر بحرین مجهول و خطر از بین رفتن سرمایه بسیار است و از خریدن امتیاز نامه هومز خودداری نمود. اما بالاخره بخت و اقبال با هومز یاری کرد و یک هفته قبل از انقضای مدت اجازه نامه شرکت نفت خلیج^۱ که یکی از شرکتهای بزرگ نفت آمریکا است قرارداد با هومز منعقد کرد و اجازه نامه را قبول نمود. فوری زمین شناسان شرکت خلیج به بحرین اعزام شدند و پس از چند ماه مطالعه گزارش دادند که تحصیل و استخراج نفت در جزایر مزبور امیدبخش است.

در آن موقع شرکت نفت خلیج جزو سهامداران شرکت نفت عراق بود و بواسطه «قرارداد خط سرخ» نمی توانست مستقلاً امتیاز نفت بحرین را قبول کند لذا با شرکت نفت استاندارد کالیفورنی بند و بستی کرده و اجازه نامه هومز را بشرکت مزبور واگذار نمود. قضیه ملیت شرکتی که با استخراج نفت بحرین اقدام نماید مشکل دیگری بود که باید حل گردد زیرا دولت انگلستان مایل نبود که بجز یک شرکت انگلیسی شرکت دیگری در بحرین امتیازی داشته باشد. برای رفع این مشکل شرکت نفت استاندارد کالیفورنی شرکت تابعه بنام «شرکت نفت بحرین»^۲ در کانادا به ثبت رساند و فوری عملیات اکتشاف را در بحرین آغاز نمود.

در سال ۱۹۳۲ اولین چاه در عمق هفتصد متر بنفت رسید و توجه همه شرکتهای نفت و زمین شناسان را بخود جلب نمود زیرا کشف نفت در بحرین حاکی از این بود که در شبه جزیره عربستان هم ممکن است ذخایر نفت عظیمی وجود داشته باشد. تا دو سال بعد مقدمات توسعه معدن بحرین و تهیه وسایل صدور نفت فراهم گشت و در سال ۱۹۳۴ چهل هزار تن نفت صادر گردید. بتدریج صادرات نفت افزایش یافت تا اینکه بسالی یک میلیون تن رسید و اکنون سالی یک میلیون و نیم تن نفت از آن جزیره صادر می گردد.

تهیه بازار برای نفت بحرین اشکال دیگری بود که در ابتدای کار پیش آمد و این مشکل با ساختن پالایشگاهی در آن جزیره رفع گردید. در سال ۱۹۳۷ پالایشگاه ساخته و حاضر برای کار شد و از آنوقت ببعد نفت تصفیه شده بحرین در بازارهای شرق و فروش میرسد. در دو سال اخیر اضافات زیادی به پالایشگاه بحرین شده است که آنرا یکی از مجهزترین پالایشگاه های خاورمیانه کرده است. معدن نفت بحرین چندان بزرگ نیست و طبق تخمینی که شده است ذخایر نفت بحرین در حدود چهل میلیون تن متریک می باشد. چون شرکت نفت استاندارد کالیفورنی خود وسایل فروش وسیعی در شرق نداشت با شرکت نفت تکساس که چنین وسایلی را در خاور دور داشت شرکت نمود و نصف سهام شرکت نفت بحرین را بآن واگذار نمود بطوریکه در حال حاضر شرکت نفت بحرین ثبت شده در کانادا کلیه سهامش در دست دو شرکت بزرگ امریکائی میباشد.

اجازه نامه هومز در سال ۱۹۳۴ تبدیل بامتیاز نامه ای شد که مدت آن برای نود سال بود و حق الامتیازی هم که باید به شیخ پرداخته شود سه روپیه و نیم (یا قریب هفتاد و سه ساتتیم امریکائی) بود که فوق العاده ناچیز و از حق الامتیاز نفت در سایر کشور های خاورمیانه کمتر بود . تا سال ۱۹۵۰ درآمد شیخ بحرین از نفت در حدود سالی چهارصد هزار لیره بود و در آن سال میزان حق الامتیاز به ده روپیه در هر تن افزایش یافت که درآمد شیخ را به یک میلیون لیره در سال رساند و در سال ۱۹۵۲ اصل تصیف درآمد قبول شد و اکنون درآمد شیخ به سالی دو میلیون و هشتصد هزار لیره رسیده است .

تاکنون یکصد و شانزده چاه در بحرین حفر شده که از هشتاد و سه آنها نفت با فشار گاز خارج میشود و شرکت نفت بحرین سعی است که با اصول علمی و دقت فراوان استخراج را تنظیم کند که حداکثر استفاده را بنماید . پالایشگاه بحرین را بعد از جنگ توسعه داده و اینک قسمتی از نفت عربستان سعودی را بالوله زبرد ریائی به پالایشگاه بحرین آورده و تصفیه می نمایند و در دو سال اخیر هم قسمتی از نفت جزیره سوماترا را از اندونزی ببحرین آورده و تصفیه کرده اند .

جمعیت بحرین در حدود یکصد و ده هزار است که نه هزار نفر آنها در صنعت نفت مشغول کار هستند . شرکت نفت برای بسیاری از کارکنان خود خانه ساخته و وسایل رفاه و آسایش آنها را فراهم کرده است و رو به مرفته صنعت نفت تنها سرچشمه عایدی و درآمد مهم آن جزیره میباشد زیرا زراعت محدود و صید مروارید که در سابق مهم ترین کسب اهالی محل بود بتدریج نقصان یافته و از بین میرود .

بخش پنجم - نفت عربستان سعودی

در سال ۱۹۰۱ عبدالعزیز ابن سعود ایالت نجد را در عربستان تصرف کرده و حکمفرمای آن شد . در سال ۱۹۱۳ ابن سعود ایالت الحسا را اشغال و مأمورین دولت عثمانی را بیرون کرد و بر آن ایالت تسلط یافت . در سال ۱۹۱۵ ابن سعود عهدنامه ای با انگلیسها منعقد نمود که در آن بطور کلی تعهد کرده بود هیچگونه امتیازی به خارجیان بدون توافق انگلیسها ندهد ولی این عهدنامه بعدها ملغی گردید . در سال ۱۹۲۳ مازور هومز که شرح حال او در بخش پیشین ذکر شد از ابن سعود اجازه ای بمدت دو سال برای کاوش نفت در ایالت الحسا گرفت و یک زمین شناس سوئیسی را هم بآنجا اعزام داشت که مطالعاتی بنماید ولی سندیکی هومز سرمایه کافی برای عملیات وسیع نداشت و اجازه نامه او پس از دو دفعه تمدید در سال ۱۹۲۸ منقضی گردید .

در سال ۱۹۳۱ یک میلیون امریکائی بنام س . ر . کرین^۱ که به کارهای خیریه علاقه زیادی داشت و احساسات گرمی نسبت باعراب ابراز میکرد یکنفر مهندس معدن شناس امریکائی موسوم به کارل توپچل^۲ را استخدام نمود که بعربستان رفته و نقاطی را

برای حفر چاه های آب ارتزین تعیین نماید تا کمکی به آبادی صحراهای بی آب و علف عربستان بنماید. تویچل بکشف چاه های آب موفق نشد ولی ابن سعود را علاقمند به کشف سایر معادن درخبطه عربستان نمود و باو اجازه داده شد که در سر تا سر عربستان مسافرت کرده و علائم و آثاری برای کشف نفت پیدا نماید. موقعیکه نفت بحرین کشف گردید تویچل بدستور ابن سعود عازم امریکا گشت تا با شرکت های نفت داخل مذاکره شده و آنها را علاقمند با استخراج نفت عربستان بنماید.

در این موقع ابن سعود تسلط خود را در قسمت مهم عربستان برقرار کرد و خانواده هاشمی را از آنجا بیرون رانده و حکومت مقتدر و مستبدی را ایجاد کرده بود. ولی وضع اقتصادی کشور جدید التأسیس او رضایت بخش نبود زیرا زراعت بواسطه فقدان آب محدود و هیچگونه صنعتی وجود نداشت و تنها منبع عایدی دولت از پولی بود که حجاج در موقع زیارت مکه و مدینه در آنجا خرج می کردند بنابراین ابن سعود سخت کوشش مینمود که منبع عایدی برای دولت خود تحصیل نماید.

در ابتدا تویچل توفیقی نیافت و چند شرکت بزرگ نفت مانند شرکت تکساس و شرکت خلیج پیشنهاد های او را رد کردند ولی چندی بعد شرکت نفت استاندارد کالیفورنی که در بحرین بکشف نفت موفق شده بود حاضر شد که پیشنهاد هموز را مطالعه نماید. در سال ۱۹۳۳ نماینده شرکت مزبور با تفاق تویچل به جده وارد و مذاکرات را با ابن سعود آغاز کرد. در همان موقع شرکت نفت عراق هم تصمیم گرفت که با ابن سعود وارد مذاکره شده و در راه تحصیل امتیاز رقابت نماید و نماینده ای هم به جده فرستاد و مذاکراتی را شروع کرد ولی پیشنهاد های شرکت استاندارد کالیفورنی بهتر بود و امتیاز نفت عربستان نصیب آن گردید. مدت این امتیاز شصت سال و حدود امتیاز تمام ایالت الحسا در قسمت شرقی کشور سعودی بود. شرکت استاندارد سی هزار لیتر طلا نقد پرداخته و تمهید کرد که هر سال دست کم پنج هزار لیتر طلا بابت مال الاجاره با ابن سعود بپردازد و پس از کشف نفت یکصد هزار لیتر طلا بطور مساعده پرداخته و از درآمد آینده کسر گذارد. حق الامتیاز چهار شیلینگ طلا برای هر تن مقرر شد و شرکت امتیاز گیرنده از پرداخت هر گونه عوارض و مالیات معاف بود.

فوری زمین شناسان و کارشناسان شرکت استاندارد با ایالت الحسا اعزام شده و شروع به کاوش نمودند. پس از یکسال کاوش و جستجو متخصصین نقطه ای موسوم به الظهران نزدیک دمام را برای حفر چاه انتخاب کرد و لوازم کافی بدان نقطه ارسال داشتند. راهی بساحل ساخته و مساکنی برای کارکنان بنا کرده و آب خوراکی از چشمه ای در زیر دریا تهیه کرده و در سال ۱۹۵۳ آماده برای اولین چاه گشتند. چهار سال طول کشید و مبالغ کثیری خرج شد تا در ماه مارس ۱۹۳۸ اولین چاه به عمق هزار و چهارصد متر بنفت رسید و معلوم گشت که معدن بزرگی در این ناحیه موجود میباشد که ضخامت آن قریب یکصد و بیست متر است.

پس از کشف نفت عملیات عمرانی در ناحیه ظهران شروع گشت. تهیه آب خوراکی بمقدار زیاد و ساختن خانه برای مستخدمین و بنای بیمارستان و درمانگاه و باشگاه ها

واستخرهای شنا و سینما و انبارها و مخزنها بتدریج فراهم شد. در ابتدا بوسیله يك خط لوله كوچك نفت را بساحل رسانده و از آنجا با كشتیهای كوچك به پالایشگاه بحرین میرساندند ولی چندی بعد در نقطه ای واقع در شمال شرقی طهران موسوم به رأس التنوره پالایشگاهی بنا کردند.

شرکت استاندارد کالیفورنی که در سال ۱۹۳۳ امتیاز نفت عربستان سعودی را تحصیل کرده بود نصف حقوق خود را در سال ۱۹۳۶ به شرکت تکساس واگذار نمود و پس از جنگ که عظمت معادن عربستان سعودی واضح شد و سرمایه بیشتری برای این کار لازم آمد و ضمناً قرارداد خط سرخ هم ملنی شده بود شرکت نفت استاندارد نیوجرسی و شرکت نفت سوکونی هم وارد و سهیم در این امتیاز شدند. اکنون نام شرکتی که در عربستان سعودی بکار نفت میبرد از «شرکت نفت عرب و امریکا» می باشد که سهام آن بطریق زیر تقسیم شده است:

سی درصد	شرکت نفت استاندارد کالیفورنی
سی درصد	شرکت نفت تکساس
سی درصد	شرکت نفت استاندارد نیوجرسی
ده درصد	شرکت نفت سوکونی

در ایام جنگ توسعه عملیات در عربستان سعودی تدریجی بود ولی پس از جنگ پیشرفت کار خیلی سریع شد و خصوصیات زیر عظمت امروزی صنعت نفت عربستان سعودی را بیان می نماید:

تا کنون شش معدن بزرگ نفت در عربستان سعودی کشف شده که از همه بزرگتر معدن غور است و پنج معدن دیگر صفانیا و دمام و ابقیق و قطیف و حرض می باشد. معدن غور چنانکه معروف می باشد یکی از بزرگترین معادن نفتی است که تا کنون در تمام دنیا کشف شده و طول آن دوست و ده کیلومتر است. ذخایر نفت عربستان سعودی طبق برآوردی که شده بالغ بر ۲۴۲۶۵۰۰۰۰ تن متریک است که از ذخایر نفتی سایر کشورهای خاور میانه زیادتر است و چاه های نفت عربستان سعودی با اندازه ای سرشار و مستعد است که در آخر سال ۱۹۵۴ کلیه محصول نفت عربستان سعودی فقط از ۱۳۷ چاه استخراج می شد. بقرار اطلاع تازه ای که رسیده است معدن نفت حرض هم قسمتی از معدن غور می باشد و در این صورت معدن نفت غور یکی از بزرگترین معادن نفت جهان محسوب می گردد.

قسمت عمده نفت تصفیه شده عربستان سعودی در پالایشگاه رأس التنوره تصفیه می گردد و قسمتی هم پالایشگاه بحرین فرستاده میشود. ظرفیت پالایشگاه رأس التنوره هم سالی ده میلیون و نیم تن است و بعد از آبادان بزرگترین پالایشگاه شرق محسوب می گردد. نفت خام عربستان سعودی هم از دوراه به بازارهای دنیا میرسد یکی از راه خط لوله بمدیترانه که شرح آن در فصل اول آمده و دیگری از راه دریا بوسیله کشتی های نفتکش.

بموجب گزارشی که سال گذشته شرکت نفت عربستان سعودی منتشر کرد مجموع کارکنان شرکت مزبور در عربستان سعودی ۲۲۰۰۰ نفر بود که شصت درصد آنها اتباع سعودی و شانزده درصد امریکایی و بقیه پاکستانی و هندی و ایتالیایی و غیره بوده اند. بیش از نصف کارکنان سعودی شرکت تحت تعلیمات مختلف بوده و در ضمن کار فنون مختلف را نیز فرامیگیرند. شرکت نفت هر سال بیست و پنج نفر محصل سعودی را به خارج برای تحصیلات عالی اعزام میدارد و تعدادی دبستان و دبیرستان در محوطه عملیات خود برای فرزندان کارکنان خود ساخته است. دولت عربستان قانونی وضع کرده است که شرکت نفت باید برای تمام کارکنان خود مسکن تهیه کند و لذا شرکت مزبور خانه های متعددی ساخته و برای همه کارکنان خود خانه و مسکن تهیه کرده است.

درآمد دولت عربستان سعودی از نفت در سال ۱۹۵۴ قریب به دو بیست و شصت میلیون دلار بوده و نکته جالب توجه این است که با این درآمد هنگفت بازهم کسر بودجه داشته است. شرکت نفت بدولت عربستان کمکهای بسیاری کرد تا مزارع متعددی را در حوالی مراکز نفت ایجاد نماید و اکنون مزارع مزبور قسمتی از احتیاجات خوراکی کارکنان را تهیه میکند. در میزان حق الامتیاز دولت سعودی هم پس از امتیاز اولی تغییراتی بدین قرار رخ داده است:

در سال ۱۹۳۹ دولت سعودی حوزه امتیازیه را وسعت داده و به ۱۱۳۹۶۰۰۰۰ هکتار افزایش داد و در مقابل یکصد و چهل هزار لیره طلا نقداً دریافت داشت و مال الاجاره سالی پنج هزار لیره هم بسالی بیست و پنج هزار لیره طلا افزایش یافت. در سال ۱۹۴۷ شرکت نفت عربستان قسمتی از اراضی واقع در حدود امتیاز خود را بدولت سعودی مسترد داشت.

در سال ۱۹۵۰ دولت سعودی بشرکت نفت فشار آورده و مطالبه حق الامتیاز بیشتری نمود و پس از چند ماه مذاکره قرارداد جدیدی بین شرکت و دولت منعقد شد که بموجب آن درآمد نفت پس از وضع مخارج تنصیف میگردد بدین معنی که حق الامتیاز چهار شیلینگ در هر تن پرداخته میشود و بقیه تا میزان نصف درآمد بعنوان مالیات بر درآمد عاید دولت سعودی میگشت. این قرارداد اولین قراری بود که در خاور میانه روی اصل تنصیف درآمد منعقد گشت و لی شرکت نفت درآمد خالص را پس از وضع مخارج و پرداخت مالیات بر درآمد بدولت امریکا مأخذ محاسبه قرار میداد اما طولی نکشید که مجبور شد در سال ۱۹۵۲ درآمد خالص را پس از پرداخت مالیات امریکا مأخذ قرار دهد. بموجب این قرارداد دولت سعودی شرکت را وادار کرد که مرکز خود را از امریکا به عربستان سعودی انتقال دهد و هیئت مدیره شرکت به ظهران انتقال یافت و دو مدیر هم از طرف دولت سعودی در هیئت مزبور عضویت پیدا کرد. پس از جنگ محصول نفت عربستان سعودی رو با افزایش رفت و موقعیکه استخراج نفت ایران تقریباً متوقف گردید استخراج نفت عربستان بطور بی سابقه ای افزایش یافت چنانکه از ارقام زیر مشهود است:

سال ۱۹۴۶	۷۹۰۰۰۰۰ تن
« ۱۹۴۹	« ۲۲۸۲۱۰۰۰
« ۱۹۵۱	« ۳۶۶۰۹۰۰۰
« ۱۹۵۲	« ۳۹۸۷۱۰۰۰
« ۱۹۵۳	« ۴۰۸۸۸۰۰۰
« ۱۹۵۴	« ۴۶۰۰۰۰۰۰

چندی است که دولت سعودی درصدد مییابد که از گاز های نفت کشور خود استفاده نموده و صنایع شیمیائی نفت را که ماده خام آن گاز نفت است ایجاد نماید. اخیراً با يك شرکت امریکائی قراری داده که شرکت مزبور ایجاد چنین صنایع مزبور را بررسی نماید و حاضر شده است که سی درصد از سرمایه شرکتی که برای این کار تأسیس میگردد بپردازد. شرکت امریکائی مزبور باید بررسی خود را طی چهارده ماه تمام کرده و نتیجه را اطلاع دهد چنانچه بررسی مذکور رضایت بخش بود کلیه نفت گاز بمصرف ایجاد صنایع جدید خواهد رسید و شرکتی با سرمایه سی میلیون دلار برای این کار ایجاد خواهد گشت. یکدسته کارشناسان آلمانی هم اکنون در عربستان سعودی مشغول مطالعه همین امر هستند که بعد پیشنهاد های جداگانه ای بدولت سعودی خواهند داد.

اینک تعداد کلیه کارکنان صنعت نفت عربستان سعودی به بیست و پنج هزار نفر رسیده است که قریب به پانزده هزار نفر دیگر هم وابسته به صنعت نفت میباشند که کار های کنتراتی را انجام میدهند حداقل دستمزد کارگران عربستان سعودی در صنعت نفت تا دو سال پیش در حدود پنج ریال سعودی بود ولی در سال ۱۹۵۳ کارگران اعتصابی برای دستمزد اضافی و بهبود وضع خود کردند که در نتیجه آن دستمزد آنها اضافه گشت.

علاوه بر شرکت نفت بحرین شرکت نفت عربستان سعودی دومین شرکت امریکائی است که در خاور میانه با استخراج نفت پرداخته و تمام سهام آن متعلق بامریکائیهامیباشد و بطرزیکه عملیات این شرکت پیش میرود بعید نیست در آینده نزدیکی بزرگترین شرکت استخراج کننده نفت در جهان منصوب گردد.

بخش ششم - نفت کویت

در اکتوبر ۱۹۱۳ شیخ کویت با انگلستان قراردادی منعقد نمود و تمهید کرد که اگر معادن نفتی در کشور او کشف شود امتیاز آن باتباع دولتی جز دولت انگلیس اعطا نخواهد شد. مآل اندیشی انگلیسها در این باره ناشی از تهدیدی بود که در آن موقع از طرف دولت آلمان نسبت به خلیج فارس میشد و ساختن راه آهن ترکیه بغداد بصره این تهدید را واضح تر ساخته بود.

برای تحصیل امتیاز نفت کویت از ابتدای امر رقابتی بین شرکت نفت بریتانیا (شرکت سابق نفت ایران و انگلیس) و شرکت نفت خلیج امریکائی در جریان بود. پس از دو سال کشمکش بین این دو شرکت و مباحثات طولانی بین دولتین امریکا و

انگلیس طرفین در سال ۱۹۳۳ توافق حاصل کردند که شرکتی بنام شرکت نفت کویت تشکیل داده و توأمأ تقاضای امتیازی از شیخ کویت بنماید .

ضمناً بین این دو شرکت قرار بر این شد که هیچیک حق و حقوقی را که در کویت حاصل میکنند بدون رضایت طرف دیگر به ثالثی واگذار نکنند و در بازار یکدیگر هم اخلاقی بنماید . مقدار استخراج بمیل هریک از طرفین قرار گرفته بود ولی هرگاه شرکت نفت بریتانیا خواسته باشد که استخراج کویت را محدود نماید حق خواهد داشت در ازای نفت کویت از ایران نفت بدهد تا تقاضای شرکت نفت خلیج ا قناع گردد .

مذاکرات با شیخ کویت در ۱۹۳۴ شروع و پس از چند ماه بعقد قراردادی منتهی گردید و شرایط امتیاز برقرار زیر بود :

حوزه امتیاز ۱۵۵۴۰۰۰ هکتار — مدت هفتاد و پنج سال — پرداخت ۴۷۰۰۰۰ روپیه نقد - مال الاجاره سالانه ۹۵۰۰۰ روپیه - حق الامتیاز سه روپیه در هر تن با حد اقل پرداخت ۲۵۰۰۰۰ روپیه در هر سال - معاف از کلیه عوارض و مالیاتهای مشروط پرداخت ربع روپیه در هر تن بعنوان مالیات .

شرایط امتیاز بسیار مساعد بود و شیخ کویت بسبب سهلت بچنین قراردادی راضی شد زیرا کشور او بیابان بی آب و علف و ساکنین آن در نهایت ذلت و بیچارگی قرار گرفته بودند . نه زراعتی و نه صنعتی در کویت بود که مردم بوسیله آن اشاعه نمایند و مختصر کسب اهالی که صید مروارید و ساختن کشتیهای بادی بود باندازه ای ناچیز و حقیر بود که هر پیشنهادی مورد قبول واقع میشد .

هیچده ماه پس از امضای امتیاز همه لوازم کار حاضر شد و حفر اولین چاه شروع گشت . پس از حفر دوهزار و چهارصد متر معلوم شد در محلی که انتخاب کرده بودند نفتی یافت نمیشود لذا عملیات کاوش را در سرتاسر حوزه امتیاز به توسعه داده و محل دیگری بنام برقن را برای حفر چاه انتخاب کردند . در این نقطه حفاری را در سال ۱۹۳۷ شروع کرده و چند ماه بعد در عمق ۱۱۲۰ متر بنفت رسیدند و با حفر چاههای دیگر واضح گردید که برقن یکی از بزرگترین منابع نفتی جهان محسوب میگردد . این معدن به شکل یک گلابی در زیر زمین قرار گرفته که مساحت آن در حدود ۷۷۷۰ هکتار و طول آن بین بیست الی بیست و چهار کیلومتر است . صخره نفتی این معدن در عمق بین یک هزار و سیصد متر در زمین قرار گرفته و ضخامت آن سیصد متر است . جنس نفت کویت چندان عالی نیست و در حدود دو در صد هم گوگرد دارد .

در تمام مدت جنگ اخیر عملیات اکتشافی و استخراجی در کویت متوقف بود ولی در سال ۱۹۵۴ دوباره شروع گردید و چند ماه بعد معدن مزبور برای استخراج آماده گشت . قصد اصلی دوشرکتی که متفقاً امتیاز نفت کویت را داشتند استخراج و فروش نفت خام این ناحیه بود و در صدد نبودند که پالایشگاه بزرگی ایجاد کرده و نفت را تصفیه کرده بفروش رسانند لذا بسا سایر شرکتهای نفت قرارداد هائی منعقد کرده و فروشنده نفت خام کویت شدند مثلاً شرکت نفت بریتانیا قسمتی از محصول را بشرکت

استاندار نیوجرسی و شرکت سوکونی و اکوم فروخت و شرکت خلیج هم قراردادی با شرکت شل منعقد نمود و تعهد کرد که قسمتی از محصول را بآن بفروشد. این قراردادها موجب افزایش محصول نفت کویت شد و موقعیکه نفت ایران ملی شد و صدور نفت متوقف گشت استخراج از کویت افزایش قابل ملاحظه ای یافت چنانکه از ارقام زیر آشکار است :

تن	۲۱۸۵۰۰۰	سال	۱۹۴۷
«	۱۲۱۸۴۰۰۰	«	۱۹۴۹
«	۱۷۰۱۹۰۰۰	«	۱۹۵۰
«	۲۷۷۸۳۰۰۰	«	۱۹۵۱
«	۳۷۰۴۲۰۰۰	«	۱۹۵۲
«	۴۲۶۰۳۰۰۰	«	۱۹۵۳
«	۴۷۰۰۰۰۰۰	«	۱۹۵۴

در سال ۱۹۵۱ قرارداد جدیدی بین شرکت نفت کویت و شیخ کویت منعقد گردید که بموجب آن هفده سال بمدت امتیاز افزوده شد و اراضی زیر دریا واقع در مجاورت ساحل کویت شامل امتیاز گردید و اصل تنصیف منافع نیز برقرار گشت. در سال ۱۹۴۹ در آمد شیخ از نفت قریب سه میلیون لیره بود ولی بموجب قرارداد جدید یکمربته عایدی نفت کشور کویت افزایش کثیری پیدا کرد و اکنون بسالی شصت میلیون لیره رسیده است. کلیه جمعیت کویت در حال حاضر از دوست هزار نفر تجاوز نمیکند و اگر این در آمد هنگفت را به جمعیت سرشکن نمایم معلوم خواهد شد که بطور سرانه کویت یکی از غنی ترین کشورهای جهان است.

در سال ۱۹۴۶ که صادرات نفت کویت آغاز گردید فقط نه چاه حفر شده بود که سالی یک میلیون و نیم تن نفت میداد ولی پس از آن عملیات کاوش و استخراج توسعه یافت و اکنون تعداد چاه های کویت از یکصد چاه هم تجاوز کرده است.

شرکت نفت کویت بندری در ساحل برای صدور نفت ساخته است که نام آن المینا الاحمدی است و اسم این بندر از نام شیخ متوفی که امتیاز نفت را اعطا کرده گرفته شده است. در این بندر مخازن متعدد نفت ساخته شده که نفت بوسیله لوله های مختلف از معدن سرازیر شده و در این مخازن برای صدور انبار میشود. یک اسکله فولادی در این بندر ساخته شده که در نوع خود یکی از بزرگترین اسکله های جهان است و در آن واحد هشت کشتی میتوانند پهلو گرفته و بارگیری کنند. طول این اسکله از ساحل ۱۲۶۴ متر است که در دریا پیش رفته و خطوط لوله روی آن قرار گرفته و جاده ای روی آن ساخته شده که اوتوموبیل از آن عبور میکند. انتهای اسکله از دو طرف بطول سیصد متر و عرض سی متر عریض میشود که کشتیها بآن پهلو میگیرند. بالای شگاهی بظرفیت سالی یک میلیون و نیم تن در سال ۱۹۴۹ ساخته شد که مصرف اهالی و شرکت نفت را تأمین مینماید و ضمناً بکشتیهای نفتکش هم سوخت میدهد. شرکت نفت عملیات وسیعی برای کشف آب شیرین در نقاط مختلف کویت انجام

داد و هنگامیکه معلوم گشت آب شیرین کافی بدست نیآید کارخانه‌ای بنا کرد که آب شور دریا را گرفته و شیرین نماید. این کارخانه روزی دوملیون وهفتصد و پنجاه هزار لیتر آب تهیه میکند که در ابتدا قسمتی از آن بوسیله لوله بشهر کویت برای مصرف اهالی فرستاده میشد و بقیه بمصرف احتیاجات شرکت میرسید. ولی بعد که دولت کویت کارخانه بزرگتری برای همین مقصود بنا کرد و آب شهر کویت را خود تأمین نمود آب کارخانه شرکت فقط صرف احتیاجات مؤسسات نفتی میشود.

علاوه بر اتباع کویت هزاران خارجی دیگر در شرکت نفت کویت استخدام شده و کار میکنند و کنتراتچی های متعددی در کویت کار گرفته و مشغول میباشند که هم برای شرکت نفت و هم برای تأسیسات دولتی کار میکنند. در کویت قانونی وضع شده است که کنتراتچی ها باید اتباع کویت باشند لذا خارجیانی که میخواهند کنترات بگیرند با اهالی بست و بند کرده و بنام آنها کنترات گرفته و خود عمل میکنند و ضمناً حقی هم به آنها میدهند.

شرکت نفت خانه‌ها و مساکن زیادی برای کارکنان خود ساخته و در حال حاضر تقریباً بجهت کارکنان خارجی و قسمت عمده کارکنان محلی خانه میدهد و برای آنانیکه در شهر کویت منزل دارند وسایل حمل و نقل فراهم کرده است که از شهر به کارگاه‌ها آمده و مراجعت میکنند. در قسمت بهداشتی و فرهنگی شرکت اقدامات وسیعی نموده است. يك بیمارستان دوپست تختخوابی و درمانگاه های متعدد ساخته و آماده کرده است و سیصد نفر از کارکنان کویتی خود را در مدرسه حرفه‌ای بآموختن فنون نفت گماشته است و هر سال هم عده‌ای را بخارج برای تحصیلات عالی اعزام میازد.

درآمد گزاف شیخ کویت هم طبق برنامه معینی بمصرف میرسد. در سال ۱۹۵۴ درآمد نفت شیخ کویت ۲۱۷ ملیون دلار بوده است. يك سوم کل درآمد شیخ بعنوان ذخیره نقدی بمصرف خرید سهام معتبر در لندن میرسد که در آینده سرمایه‌ای برای کشور کویت باشد و يك سوم صرف خانواده شیخ که (عده آنها از هفتاد متجاوز است) میشود و بقیه بمصارف عمران و آبادی کویت میرسد. نقشه‌ای طرح شد که در طی پانزده سال تمام شهر کویت از نو بطرز يك شهر جدید ساخته شود. دولت کارخانه بزرگی برای شیرین کردن آب دریا و مصرف اهالی بظرفیت روزی چهار ملیون و نیم لیتر ساخته و آب شهر را لوله کشی کرده و بیمارستان بزرگ و مدارس متعدد ساخته و جاده‌ها و خیابانها را اسفالت کرده و بدین منوال برنامه عمرانی کویت همواره ادامه دارد. در سال ۱۹۵۲ برنامه ده ساله‌ای طرح شد که در طی ده سال آینده چهار صد ملیون دلار خرج عمران و آبادی کویت خواهد شد.

بخش هفتم - نفت منطقه بیطرف

پس از چندین سال اختلاف بین ابن سعود و شیخ کویت درباره مرز بین دو کشور دولت انگلستان بعنوان سرپرست و حامی شیخ کویت با ابن سعود وارد مذاکره شد و در سال ۱۹۲۲ سرپرستی کاکس^۱ بنمایندگی دولت انگلیس و شیخ کویت قراردادی با ابن سعود منعقد کرد و ناحیه ای را بین دو کشور بنام « منطقه بیطرف » تعیین کردند که فاصله بین دو کشور مزبور باشد. بموجب این قرارداد دولت سعودی و شیخ کویت هر یک مالک نصف منطقه مزبور بوده و بطور تساوی حقوقی نسبت بآن ناحیه داشتند. در سال ۱۹۳۳ که شرکت نفت عربستان امتیاز استخراج نفت عربستان سعودی را تحصیل نمود در امتیاز نامه ذکر شده بود که دولت سعودی حق اولویتی بشرکت مزبور برای کاوش نفت در نصفه « منطقه بیطرف » متعلق به عربستان سعودی میدهد. در سال ۱۹۳۹ دولت عربستان سعودی حق اکتشاف و استخراج نفت را در نصفه خود تأیید نموده و واگذار بشرکت نفت عربستان نمود ولی پس از جنگ اخیر یعنی در سال ۱۹۴۸ حقوق شرکت نفت عربستان در این ناحیه بواسطه عاطل گذاشتن عملیات کاوش لغو گردید.

منطقه بیطرف هیچگاه در سابق مسکون نبوده و مساحت آن قریب به ۵۷۰۰۰۰ هکتار است که شامل یک بیابان مسطح و خشک و بی آب و علفی می باشد. در سال ۱۹۴۶ شیخ احمد الصباح حکمفرمای کویت اعلام داشت که حاضر است امتیاز نفت نصفه خود را در « منطقه بیطرف » بشرکت معتبری واگذار نماید و از چندین شرکت دعوت نمود که نمایندگان خود را برای شرکت در مزایده بکویت اعزام دارند. ده شرکت نفت امریکائی که در زمره شرکتهای بزرگ نبودند باهم شریک شده و شرکت جدیدی بنام شرکت مستقل امریکائی نفت^۲ تشکیل دادند که با شیخ کویت داخل مذاکره شده و در سال ۱۹۴۸ نسبت به نصفه کویتی « منطقه بیطرف » امتیازی تحصیل نمودند. شرایط امتیاز بقرار ذیل بود:

مدت امتیاز شصت سال است - شیخ کویت حق خرید پانزده درصد از سهام شرکت را خواهد داشت - یک هشتم منافع شرکت متعلق بشیخ کویت خواهد بود - حق الامتیاز عبارت است از سی و پنج سانتیم امریکائی در هر چلیک (قریب دودولار و شصت و چهار سانتیم در هر تن) - پرداخت هفت میلیون و نیم دلار نقد - پرداخت حداقل سالی ۶۲۵۰۰۰ دلار بابت حق الامتیاز.

چند ماه بعد چند شرکت امریکائی دیگر باهم شریک شده و شرکتی بنام « شرکت غربی پاسیفیک »^۳ تشکیل داده و امتیازی برای نصفه دیگر منطقه بیطرف از عربستان سعودی بدست آوردند. شرایط این امتیاز از شرایط نصفه کویت گران تر و سخت تر

(۱) Sir Percy Cox همان کسی است که در موقع عقد قرارداد با وثوق الدوله وزیر مختار

انگلیس در ایران بود .
The American Independent Oil Company (۲)

The Pacific Western Oil Company (۳)

بود و معلوم شده که دولت عربستان سعودی توانسته بود شرایط بهتری بقرار زیر تحصیل نماید :

مدت امتیاز شصت سال - پرداخت نه میلیون و نیم دلار نقد - پرداخت حد اقل حق الامتیاز سالی یکمیلیون دلار - اتباع سعودی حق خواهند داشت تا یکربیع سهام شرکت را خریداری نمایند - شرکت متعهد است همینکه محصول بسالی چهارمیلیون تن رسید پالایشگاهی بسازد و محصول آنرا بقیمت تمام شده در ریاض وجده تحویل دهد - یک هشتم منافع استخراج و یکربیع منافع پالایشگاه باید بدولت سعودی پرداخت شود - حق الامتیازهم عبارت است از پنجاه و پنج سانتیم امریکائی در هر چلیک (قریب چهار دلار و پانزده سانتیم هر تن) .

دو شرکت مذکور بدون فوت وقت شروع بکاوش در « منطقه بیطرف » نموده و قراری بین خود دادند که از لحاظ عملیات توأماً اقدام نمایند . در اواخر سال ۱۹۴۹ در محلی موسوم به « وفرة » حفاری شروع گردید . آب آشامیدنی را توسط اتومبیل از کویت آورده و متصدیان امر چادرهایی برپا کرده و مسکن موقتی برای خود ترتیب دادند . تا اواخر سال ۱۹۵۲ این دو شرکت دوازده میلیون دلار خرج کرده و نتیجه ای نرسیدند ولی در سال ۱۹۵۳ در عمق ۱۱۵۸ متر بنفت رسیده و معدن مهمی کشف گردید . در سال بعد چاه های عمیق تری حفر شد و معلوم گشت که نفت سنگین تری در عمق بیشتر یافت می شود .

اکنون شانزده چاه در منطقه بیطرف حفر شده است و حدود معدنی که تاکنون کشف شده بطول هشت و عرض سه کیلومتر و نیم است .
یک خط لوله ای بطول چهل و هشت کیلومتر از معدن وفرة بقطعه ای در کویت به نام الیمنا عبدالله در ساحل کشیده شده و اولین صادرات نفت این منطقه در ژانویه ۱۹۵۴ صورت گرفت . محصول این منطقه در سال ۱۹۵۴ بالغ بر هفتصد و پنجاه هزار تن بود و بقرار تخمینی که زده اند ذخایر نفت منطقه مزبور در حدود چهارصد و سی میلیون چلیک (یا ۶۸۳۷۰۰۰۰ تن متریک) میباشد . در سال ۱۹۵۵ شرکت نفت غربی پاسیفیک در شانزده کیلومتری مرز جنوبی کویت و در داخل منطقه بیطرف مرکزی برای صدور نفت بنا کرد که نام آن المنأ سعود است . در این جا چندین مخزن نفت ساخته و بوسیله لوله های زیر دریائی نفت را بکششهای نفتکش که برای بارگیری میآیند حمل میکند . شرکت نفت غربی پاسیفیک طبق امتیازی که از دولت سعودی گرفته تعهد کرده که نفت را از داخل منطقه بیطرف صادر نماید لذا مجبور شده است که چنین مرکز صدور بنا نماید ولی شرکت مستقل امریکائی که امتیازش را از دولت کویت گرفته چنین تعهدی ندارد و از این رو نفت را از الیمنا عبدالله صادر میکند .

قسمت عمده نفت این منطقه که تاکنون صادر شده بامریکا حمل شده است و قسمت کمی هم به ژاپون و اروپا فرستاده شده است . هنوز عملیات اکتشافی و کاوش در این منطقه جریان دارد و معلوم نیست که استعداد نفتی منطقه مزبور تا چه اندازه است .

نکته جالب توجه این است که شرکت‌های صاحب امتیاز این منطقه شرکت‌های بزرگ نفت نیستند که در کارتل بین‌المللی وارد باشند و باید صبر کرد و دید توفیق آنها در آینده از چه قرار است .

بخش هشتم - نفت قطر

در جنوب جزایر بحرین و در ساحل عربستان شبه جزیره قطر واقع شده است که تا سال ۱۹۱۴ جزو امپراتوری عثمانی و بعد از آن نیمه مستقل و تحت الحمایه انگلستان درآمد است . این شبه جزیره بیابان مسطح و بی آب و علفی است که چند هزار نفر طوایف عربی در آن سکنی داشته و شغل اصلی آنها صید ماهی است . پای تخت این شبه جزیره که دهی بیش نیست موسوم به دوها میباشد که شیخ عبدالله الجاسم الثاني در آن سکونت داشته و بتمام شبه جزیره حکمرانی داشته است .

در سال ۱۹۲۴ زمین شناسان شرکت نفت بریتانیا (شرکت سابق نفت ایران و انگلیس) به عمان و دیگر سواحل عربستان رفته و مطالعاتی کردند تا دریابند که نفتی در این نقاط موجود هست یا نه ؟ در سال ۱۹۳۰ نماینده شرکت نفت بریتانیا به قطر رفته و با رعایت مندرجات قرارداد خط سرخ از شیخ قطر اجازه ای بنام شرکت نفت عراق تحصیل نمود که در طی دو سال شبه جزیره قطر را کاوش نموده و استعداد نفتی آنرا معلوم دارد .

در همین ایام مازور هومز که شرح کار های او گذشت در صدد برآمد که امتیاز نفت شبه جزیره قطر را برای یک شرکت امریکائی تحصیل نماید و مذاکراتی با شیخ قطر شروع نمود ولی اولیای دولت انگلیس بشیخ تذکر دادند که مازور هومز دلالی بیش نیست و مصلحت اندیشی کردند که شیخ امتیاز نفت را بیک شرکت انگلیسی واگذار نماید .

پس از مدتی مذاکره و مباحثه شیخ قطر در ۱۹۳۵ امتیازی را امضا نمود که اسماً بنام شرکت نفت بریتانیا ولی معنأً برای شرکت نفت عراق بود . شرایط این امتیاز بقرار زیر بود :

مدت امتیاز هفتاد و پنج سال - مساحت امتیاز ۱۰۳۶۰۰۰ هکتار - معافیت از عوارض و مالیات - پرداخت چهار صد هزار روپیه نقد - پرداخت سالی یکصد و پنجاه هزار روپیه بعنوان مال الاجاره تا پنج سال و پس از آن پرداخت سالی سیصد هزار روپیه - پرداخت حق الامتیاز سه روپیه برای هر تن نفتی که استخراج میشود .

پس از تحصیل این امتیاز چهار سال طول کشید تا مقدمات کار فراهم گشت و در اواخر سال ۱۹۳۹ اولین چاه در عمق ۱۶۷۶ متر بنفت رسید و معلوم شد که در شبه جزیره قطر منبع نفت مهمی موجود است . اما در مدت جنگ اخیر عملیات در قطر متوقف گردید و پس از جنگ هم مدتی طول کشید تا دوباره شروع گشت . در سال ۱۹۴۷ حفاری مجدد در معدن نفت قطر که موسوم به دخان است آغاز گشت و در اواخر سال ۱۹۴۹

برای اولین مرتبه نفت قطر صادر گردید . تاکنون بیست و پنج چاه در معدن دخان حفر شده و کاوش برای تعیین حدود معدن مزبور ادامه دارد . بر آوردی که تاکنون برای ذخایر نفت قطر کرده اند بین یک هزار و پانصد تا دوهزار میلیون چلیک (دوست الی ۲۷۰ میلیون تن) است و همینکه تعیین حدود کامل معدن مزبور انجام گرفت ممکن است باین رقم افزوده شود . در سی و دو کیلومتری جنوب دوها در ساحل خلیج فارس نقطه ای موسوم به ام سعید را بندرگاه صدور نفت قراردادده و از معدن بآنجا خطوط لوله کشیده و در ام سعید مخازن بزرگ برای انبار کردن نفت بنا کرده و اکنون بوسیله لوله های زیر دریایی نفت را بکشتی می رسانند . در دخان هم شهر کوچکی بوجود آمده و خانه های متعدد و بیمارستان و درمانگاه و کارخانه برق و سایر وسایل آسایش آماده گشته و این شهر کوچک اینک رو بتوسعه می رود . اهالی قطر بواسطه فقر و بیچارگی و کم غذائی فوق العاده ضعیف و ناتوان بودند و در ابتدای کار نمیتوانستند کارگران خوبی برای نفت باشند ولی بتدریج سطح زندگی آنها بالا رفته و امروز مانند اهالی سایر نقاط بکارهای نفت اشتغال داشته و کارگران خوبی شده اند . از خارج هم کارگران زیادی به قطر آمده و مشغولند ولی شرکت نفت کوشش می کند که رجحانی برای اهالی بومی قائل شده و آنها را برای کارهای خود تربیت نماید .

در سال ۱۹۵۰ حق الامتیازی که به شیخ قطر پرداخته شد بالغ بر چهارصد هزار لیره بود و سال بعد که تجدیدنظری در شرایط امتیاز شد و در عوض سه رویه ده رویه برای هر تن پرداخت گردید درآمد شیخ بیست میلیون و هفتصد و پنجاه هزار لیره بالغ گشت .

در سال ۱۹۵۲ مجدداً تجدیدنظری در امتیاز شد و اصل تصنیف درآمد معمول گشت که نتیجه اش افزایش درآمد شیخ شده و اکنون سالی هشت میلیون لیره و بعدا هم بیشتر عاید او میشود .

بطریق معمول این شیوخ، قسمتی از درآمد به خویشان شیخ پرداخته می شود و قسمتی را هم خود شیخ مصرف می کند . از سال ۱۹۴۹ انگلیسها مستشاری برای شیخ گماشته اند که کارهای عمرانی و امور دولتی بصوابدید او انجام میگیرد . اولین کار مستشار مزبور این بود که یک نیروی کوچک پلیس برای حفظ انتظامات تشکیل داده و قدرت شیخ را مستقر کرده است . در دوها که مرکز شیخ نشین است عمران و آبادی شروع گشته و خانه های جدید بنا گشته و کارخانه برق برپا گشته و آب خوردنی تهیه شده است و برنامه مفصلی برای آبادی آن شهر تنظیم گشته است . محصول نفت قطر در سه سال اخیر بشرح زیر بوده است :

سال ۱۹۵۲	۳۲۹۷۰۰۰ تن
« ۱۹۵۳	« ۴۰۶۲۰۰۰
« ۱۹۵۴	« ۴۶۵۰۰۰۰

شرکتی که نفت قطر را استخراج میکند یکی از شرکتهای تابعه شرکت نفت

عراق و موسوم است به شرکت توسعه نفت قطر^۱ که تمام سهام آن متعلق بشرکت نفت عراق میباشد .

در سال ۱۹۴۹ شیخ قطر مدعی شد که امتیاز نفتی که داده شده مشمول « فلات قاره » نمیشود و اراضی زیر دریا که در مجاورت قطر میباشد از امتیاز مزبور مستثنی است و شیخ بیک شرکت امریکائی اجازه داد که در فلات قاره بکاوش مشغول گردد . شرکت توسعه نفت قطر باین تصمیم اعتراض کرد و قضیه بدآوری رجوع شد و شرکت محکوم گردید. در این حال شرکت امریکائی که بکاوش مشغول بود نفتی کشف نکرد و اجازه آنها باطل گردید .

در سال ۱۹۵۲ شرکت نفت ثل داوطلب امتیاز « فلات قاره » قطر شد و از شیخ امتیازی بمدت هفتاد و پنج سال گرفت. مساحت امتیاز مزبور قریب دومیلیون و نیم هکتار از اراضی زیر دریاست و در موقع امضای امتیاز دویست و شصت هزار لیره بشیخ پرداخته شد. امتیاز گیرنده تعهد کرده است که دو سال بعد حفاری را شروع و پس از استخراج نصف درآمد را بعنوان حق الامتیاز بشیخ بپردازد .

بخش نهم - نفت سایر کشورهای خاورمیانه

در قسمت غربی شبه جزیره عربستان کاوشهایی که برای نفت شده به نتیجه مطلوب نرسیده است. در سال ۱۹۳۶ یکی از شرکتهای تابعه شرکت نفت عراق موسوم بشرکت توسعه نفت عربستان غربی^۲ امتیازی برای کاوش در حجاز و اثیر گرفت. زمین شناسانی برای مطالعه و کاوش باین نقطه فرستاد و در سال های ۳۸-۱۹۳۷ بطور آزمایش حفر چاهی را هم در جزایر فراسان که در غرب شبه جزیره عربستان است شروع کرد و چون نتیجه حاصل نشد در سال ۱۹۴۱ از امتیاز مزبور صرف نظر کرد .

در بین زمین شناسان شرکت نفت عراق مطالعاتی کرده و زمینه را امید بخش تشخیص نداده اند. در سال ۱۹۵۳ بیک شرکت آلمانی قراردادی بادولت یمن منعقد کرد که در تمام خطه یمن بکاوش نفت بپردازد . بموجب این قرارداد دولت یمن هفتاد و پنج درصد و شرکت آلمانی بیست و پنج درصد سرمایه لازم را فراهم خواهد کرد و هرگاه نفت پیدا شد شرکت آلمانی برای مدت بیست سال بهره برداری را عهده دار خواهد بود و منافع متناسب سرمایه ای که داده شده تقسیم خواهد گشت و هرگاه پس از پنج سال نفتی کشف نشد قرارداد ملغی خواهد گشت .

در عدن شرکت نفت عراق اجازه کاوش در ۱۹۳۸ تحصیل نمود ولی کاری انجام نداده و گفته میشود که امید زیادی بکشف نفت در این منطقه نیست . پس از ملی شدن نفت ایران شرکت نفت بریتانیا (شرکت سابق نفت ایران و انگلیس) با عجله زیاد بایجاد پالایشگاه عدن پرداخت . این پالایشگاه در مدت کوتاهی ساخته شد و در سال

۱۹۵۴ بکارافتاد و گنجایش تصفیه آن سالی پنج میلیون تن میباشد .
درحضر موت هم شرکت نفت عراق اجازه کاوشی دارد و زمین شناسانی بآن ناحیه اعزام داشته و مطالعاتی نموده اند ولی نتیجه امیدبخشی حاصل نگشته است .

سی سال پیش شرکت نفت بریتانیا در مسقط و عمان مطالعاتی برای تحصیل نفت نمود و نتیجه ای حاصل نکرد . شرکت نفت عراق امتیازی در ذوفار بدست آورد و هیئت هم برای مطالعه اعزام داشت ولی چون ب نتیجه ای نرسید در سال ۱۹۵۱ از امتیاز مزبور صرف نظر کرد . در سال ۱۹۵۳ دوشرکت امریکائی موسوم به شرکت سی تیز سرویس ۱ و شرکت نفت ریچفیلد ۴ بایکدیگر شرکت نموده و هیئت برای مطالعه بایالت ذوفار در عمان اعزام داشتند . این دوشرکت امتیازی برای نفت در این دونا حیه بدست آورده اند ولی آینده آن هنوز نامعلوم است .

شرکت نفت عراق امتیازاتی در مسقط و عمان و شرجه و ابوظبی و سایر نقاط ساحلی شبه جزیره عربستان تا حوالی قطر دارد که عملیات زیادی در آنها انجام داده است . در نقطه ای بنام دویی چاهی حفر کرده و بنفت نرسید و در نقطه دیگر بنام ابوظبی چاه اول بنفت نرسید و اکنون مشغول حفر چاه دوم هستند .

ناحیه بوریمی که درباره مالکیت آن اختلافی بین انگلستان و عربستان سعودی روی داده است در مجاورت ابوظبی واقع شده و مشهور است که در ناحیه مذکور معادن مهم نفت موجود میباشد و علت اصلی اختلاف مربوط به بیابانهای بوریمی نیست بلکه دعوا بر سر نفت آن است . در غرب بوریمی عربستان سعودی و در شمال و شرق آن آن مسقط و ابوظبی واقع شده اند . قریب ده سال است که عربستان سعودی کوشش میکند مرزهای خود را رو بشرق در خاک عمان جلو ببرد تا ناحیه بوریمی را تصرف کند . سلطان مسقط که به عمان حکمرانی میکند و شیخ ابوظبی هر دو با انگلستان پیمانهای دارند که در واقع تحت الحمايه انگلستان قرار گرفته اند و دولت انگلیس بعنوان حافظ حقوق آنها بادولت عربستان سعودی بر سر ناحیه بوریمی اختلاف پیدا کرده است . در سال ۱۹۵۲ دولتین انگلیس و عربستان سعودی موافقت کردند که اختلاف خود را بحکمیت رجوع کنند و داورانی برای حل قضیه انتخاب کردند تا اگر رأی داوران بر این باشد که ناحیه بوریمی بعربستان سعودی واگذار شود امتیاز نفت آن نصیب شرکت تمام امریکائی «آرامکو» خواهد شد که اکنون باستخراج معادن نفت عربستان سعودی میردازد و اگر حق سلطان مسقط و حکمران ابوظبی داده شود شرکت انگلیسی موسوم به «شرکت نفت عراق» که فرانسویها و امریکائیها و هلاندها در آن شریک هستند امتیاز استخراج نفت آنرا بدست خواهند آورد . این داوری بجائی نرسید و هنوز اختلافات مزبور باقی است .

در فاصله بین عمان و شبه جزیره قطر نواحی کوچک دیگری هستند که هر یک تحت حکمرمائی شیخی بوده و همه شیوخ هم تحت حمایت دولت انگلستان میباشند . در این نواحی کاوشهایی برای نفت شده و میشود و همینکه آثار و علائمی هویدا گشت طالبین

امتیاز حاضر و آماده برای عقد امتیازات میباشند. در سالهای اخیر شرکت نفت بریتانیا (همان شرکت سابق نفت ایران و انگلیس) توأم با شرکت نفت فرانسه امتیازی برای استخراج نفت از زیر دریا در مجاورت نواحی مذکور بدست آورده و مشغول کاوش نفت در زیر دریا میباشند ولی تاکنون عملیات آنها ب نتیجه نرسیده است.

در کشور اسرائیل شرکت نفت استاندارد نیوجرسی و شرکت نفت عراق هر یک امتیازاتی در گذشته داشته و کاوشهایی هم کردند و هر دو شرکت مزبور چاه هایی هم حفر کرده و چون به عمق کافی نرفته بودند نتیجه ای حاصل نکردند. در سال ۱۹۵۳ دولت اسرائیل قانونی برای کشف معادن وضع کرد که متعاقب آن هفت شرکت امریکائی و کانادائی و اسرائیلی اجازه هایی از دولت برای کاوش نفت تحصیل کردند. قانون مزبور گیرندگان اجازه های کشف معادن نفت را موظف میدارد که پس از دو سال بحفر چاه اقدام نمایند و اکنون هفت شرکت مزبور باین کار اشتغال دارند. یکی از این هفت شرکت موسوم بشرکت لاپیدوت^۱ که سرمایه آن را امریکائیا و اسرائیلیها مشترکاً داده اند چندی است که در غرب جاده ای که از یافه به غزه میرود بحفراری پرداخته و در سپتامبر ۱۹۵۵ چاه آن در عمق ۱۴۹۳ متر بنفت رسید. نفت این چاه با فشار کافی بسطح زمین جریان یافت و در روزهای اول نفت مزبور بارتفاع بیست متر از سطح زمین از چاه خارج میشد. نوع نفت این چاه بسیار خوب و امید زیادی هست که این چاه مقدمه کشف معدن بزرگی باشد. پس از آنکه خبر کشف نفت منتشر گشت اهالی کشور اسرائیل جشنها گرفته و شادی بسیار کردند زیرا مدتی است که در نتیجه تحریم کشورهای عربی نفت خاور میانه با اسرائیل حمل نشده و بآن کشور فروخته نمیشود و هر سال کشور اسرائیل بین چهل و پنج میلیون دلار باید بدهد تا احتیاجات نفتی خود را از کشورهای دیگر تأمین نماید. در بندر حیفا شرکت نفت بریتانیا و شرکت نفت شل مشترکاً پالایشگاهی ساخته اند که ظرفیت آن سالی چهار میلیون تن است. قبل از جنگ اخیر نفت عراق بالوله باین پالایشگاه میرسید ولی پس از آنکه اسرائیل استقلال پیدا کرد و اختلافات بین عراق و یهود شدت یافت دولت عراق حمل نفت را بکشور اسرائیل متوقف ساخت و دولت اسرائیل ناچار شد که از امریکای جنوبی نفت خام خریداری و در پالایشگاه حیفا تصفیه نماید ولی مقدار آن از سالی یک میلیون تن تجاوز نکرده است. اینک که در کشور اسرائیل نفت کشف شده است کمک بزرگی باقتصاد آن کشور خواهد شد و در صورتیکه معدن کشف شده دارای مقادیر کافی نفت باشد یک کشور نفت خیز دیگر بکشورهای خاور میانه که نفت دارند افزوده خواهد شد.

در سوریه هنوز نفتی کشف نشده است. قبل از جنگ اخیر شرکت نفت عراق پنج چاه و بعد از جنگ شش چاه در نقاط مختلف سوریه حفر کرده و بنفت نرسید و در سال ۱۹۵۱ از امتیازی که برای این نواحی داشت صرف نظر کرد. اگرچه در سوریه هنوز نفتی کشف نشده است ولی کشور سوریه از منافع نفت بی بهره نمانده است. چندین خط لوله نفت عراق را از راه سوریه بدریای مدیترانه میسراند و دولت سوریه

درآمد مهمی بعنوان حق العبور از این خطوط وصول مینماید. بانیاست بندری است در سوریه که منتهی الیه یکی از خطوط لوله نفت عراق میباشد. در این بندر تأسیساتی برای صدور نفت ایجاد شده وعدهای از اهالی سوریه کار پیدا کرده اند. حق ترانزیت لوله که دولت سوریه دریافت میدارد هر سال بالغ بر یک میلیون و یکصد هزار دلار از خط لوله عربستان و قریب نیم میلیون لیره از خطوط لوله عراق میباشد. بعلاوه شرکت نفت عراق هر سال مبالغی ارز بکشور سوریه میفرستد که تبدیل بیول سوریه نموده و حقوق کارکنان خطوط لوله و بندر بانیاست و سایر مخارج محلی را پردازد.

در کشور اردن هم شرکت نفت عراق امتیازی داشت و چه قبل از جنگ و چه بعد از جنگ اخیر مطالعاتی نموده وعدهای متخصص برای کاوش نفت بآن کشور اعزام داشت و به نتیجه ای نرسید. این کشور هم از حق ترانزیت لوله های نفت که از خاک آن عبور میکند استفاده میکند. در حال حاضر سالی دو بیست وهفتاد و پنج هزار لیره از خط لوله عربستان و سالی شصت هزار لیره هم از خط لوله نفت عراق که از راه اردن به حیفا میرود حق ترانزیت میگیرد.

در لبنان هم شرکت نفت عراق امتیازاتی داشت و مطالعات وسیعی انجام داد و بنفت نرسید. یک شرکت مختلط امریکائی و فرانسوی در سال ۱۹۵۳ چاهی در جنوب لبنان برای کاوش نفت حفر کرد و نتیجه ای حاصل نکرد. بین کشورهای عربی که خود نفت نداشته ولی از نفت دیگران استفاده هائی میکنند کشور لبنان از همه بیشتر سود میبرد. هر سال قریب بیست و دو میلیون تن نفت از خطوط لوله ای که منتهی بسواحل لبنان میشود عبور میکند که چهارده میلیون تن آن از عربستان سعودی حمل شده و به بندر صیدان میرسد و هشت میلیون تن دیگر از کرکوک به بندر ترابلس حمل میگردد. جمعا حق ترانزیتی که از این خطوط عاید دولت لبنان میشود بالغ به هشتصد و پنجاه هزار لیره است. شرکت نفت عراق پالایشگاهی بظرفیت سالی پانصد و پنجاه هزار تن در ترابلس ساخته و قرار است که بزودی آنرا توسعه دهد. این پالایشگاه مصرف لبنان و سوریه را تأمین میکند و ضمناً نفت سوخت بکشتیهائی که بینا در لبنان میآیند میفروشد. در صیدان شرکت نفت استاندارد کالیفورنی و شرکت نفت تکساس مشغول ساختن پالایشگاهی بظرفیت سالی چهارصد و پنجاه هزار تن هستند که قرار است بزودی حاضر برای کار شود. نگاهداری خطوط و گرداندن پالایشگاه متضمن استخدام عده زیادی از اتباع لبنان است که بدینوسیله اعاشه نموده و هر سال شرکت های نفت مبالغ کثیری ارز برای پرداخت حقوق و مزد آنها بلبنان وارد میکنند. مثلاً شرکت نفت عراق در سال گذشته بالغ بر سه میلیون لیره ارز بلبنان وارد کرد و بمصرف رساند. علاوه بر این شرکت های نفت که در خاور میانه کار میکنند هر سال عده ای از اتباع لبنان را بشرکت های نفت خیز برده و استخدام میکنند و چون زبان آنها عربی است کار را بسی سهل میکنند مثلاً طبق برآوردی که شده است در حال حاضر متجاوز از بیست و شش هزار نفر از اتباع لبنان تنها در کویت استخدام شده و یا به کارهای آزاد اشتغال دارند. هر سال عده زیادی محصل از کشورهای عرب زبان به دانشگاه های بیروت رفته و بتحصیل مشغول میشوند. محصولات مختلف سوریه

ولپنان از قبیل میوه و سبزی و امثال آن بازار خوبی در کویت و عربستان سعودی پیدا کرده و هر سال از این راه هم در آمدی عاید کشور مزبور میگردد .

در جزیره قبرس شرکت نفت عراق امتیازی تحصیل کرده و به مطالعاتی پرداخت و نتیجه ای نبرد لذا از امتیاز مزبور صرف نظر کرد . یک شرکت قبرسی چاهی بعق یکپنار و پانصد متر در جزیره مزبور حفر کرد و نفتی کشف نکرد .

در جنوب شرقی ترکیه دو معدن کوچک نفت تا کنون کشف شده که دولت ترکیه خود متصدی استخراج آن بوده است . پس از وضع قانون جدید معادن ، شرکت های مختلف طی سال گذشته اجازه هایی برای کشف نفت از دولت ترکیه تحصیل کرده و بکاوش پرداخته اند ولی هنوز نتیجه آن معلوم نیست . طبق قانون جدید هنگامیکه نفت کشف و استخراج شد در آمد آن بین دولت ترکیه و صاحب امتیاز نصف خواهد شد .

در مصر معادن نفتی در اطراف دریای سرخ و شبه جزیره سینا کشف شده و استخراج میشود که شرح آن در فصل اول این کتاب آمده است اخیراً دولت مصر حاضر شد که شصت و یک پروانه کاوش بدو شرکت شل و سوکونی بدهد تا عملیات خود را توسعه داده و معادن جدیدی کشف نمایند . یک شرکت امریکائی پروانه ای برای کاوش در قسمت غربی مصر بمساحت ۱۸۵۰۰۰ کیلومتر مربع تحصیل کرده و در صدد است که عملیات اکتشافی را آغاز نماید . یک شرکت مصری بنام « شرکت ملی نفت مصر » پروانه های متعددی برای کاوش نفت در نقاط مختلف من جمله هفت پروانه برای کاوش زیر دریا در خلیج سوئز تحصیل کرده و مشغول کار شده است . محصول نفت مصر در سال ۱۹۵۴ قریب دو میلیون تن بود در صورتیکه مصرف آن کشور سالی سه میلیون و نیم تن است و هر سال مصر باید مبالغ گزافی برای رفع احتیاجات نفتی خود به خارج بپردازد .

در مصر ترتیب وصول حق الامتیاز نفت با سایر نقاط تفاوت دارد و روی وصول عین جنس قرار گرفته است زیرا دولت خود پالایشگاه دارد و می تواند نفت خام را تصفیه نموده بفروش رساند . نرخ حق الامتیاز نسبت بتاریخ امتیازات فرق میکند مثلاً برای امتیازاتی که بین سالهای ۱۹۱۲ و ۱۹۲۳ اعطا شده حق الامتیاز چهار در صد از عین محصول است و امتیازی که در ۱۹۲۳ به سندیکای نفت مصر داده شده حق الامتیازش دوازده و نیم درصد از عین جنس میباشد . در قراردادی که سال ۱۹۴۸ با شرکت نفت انگلیس و مصر منعقد شد حق الامتیاز چهارده درصد تعیین شد و قرارداد هایی که از آن تاریخ ببعده منعقد شده مقرر میدارد که بین چهارده و پانزده درصد از عین محصول بدولت مصر تحویل گردد . ضمناً باید گفت که مصر از جوهی که بعنوان حق عبور کشتیهای نفتکش از کانال سوئز وصول میشود سهمی دارد و در ۱۹۶۳ که امتیاز کانال سوئز منقضى میشود تمام وجوه مزبور بمصر تعلق خواهد گرفت و درآمد مهمی برای مصر ایجاد خواهد نمود .

بخش دهم - گاز نفت در خاورمیانه

گاز نفت که بمقادیر زیادی در معادن نفت خاورمیانه موجود است بهدر می‌رود و تاکنون هیچگونه اقدام اساسی برای استفاده از آن بعمل نیامده است. در معادن کرکوک واقع در عراق در هر تن نفت خامی که استخراج میشود سی متر مکعب گاز موجود است. در معدن برقن کویت این نسبت به ۱۰۵ متر مکعب و در معدن آغاچاری ایران و معادن نفت عربستان سعودی به ۲۰۰ متر مکعب در هر تن نفت خام بالغ می‌گردد. طبق جدولی که در گزارش اقتصادی ملل متحد راجع به خاورمیانه ذکر شده و در سال ۱۹۵۲ منتشر گشته است نسبت گاز به نفت در معادن عمده خاورمیانه بقرار زیر بوده است. ارقام زیر نسبت گاز موجود در هر یک تن نفت خام را نشان می‌دهد و به متر مکعب معلوم گشته است :

۳۱	کرکوک (عراق)	۱۹۸	آغاچاری
۱۰۵	برقن (کویت)	۱۳۳	گیچ ساران
۱۹۵	ابقیق (عربستان سعودی)	۹۶	هفت کل
۶۳	دمان	۴۸	مسجد سلیمان
۹۴	قطیف	۱۹۸	نفت سفید
		۲۱۴	نفت شاه

روی نسبت فوق ضرب در میزان استخراج نفت خاورمیانه در سال ۱۹۵۴ میتوان برآورد کرد که مقدار گاز نفتی که از چاه های خاورمیانه خارج شده در حدود ده هزار میلیون متر مکعب بوده است. بطوری که تخمین زده اند ارزش سوختی هزار میلیون متر مکعب گاز برابر با یک میلیون تن نفت خام است و از روی این برآورد میتوان گفت که ده هزار میلیون متر مکعب گازی که از معادن نفت خاورمیانه در سال گذشته خارج و قسمت عمده اش بهدر رفته است برابر با ارزش سوختی ده میلیون تن نفت خام بوده است.

گازی که از چاه نفت و همچنین از عملیات پالایشگاه حاصل میشود مصرفهای گوناگون دارد. اول اینکه گاز مزبور را می‌توان برای سوخت در خانه‌ها و کارخانه‌ها مصرف کرد. دوم اینکه مواد شیمیایی مختلف از آن میتوان بدست آورد. سوم اینکه همان گاز را می‌توان با فشار به چاه های نفت وارد کرد تا خروج نفت را از چاه تسهیل نموده و بعد ها محتاج باین نشوند که نفت را با تلمبه از چاه خارج کنند.

استفاده از گاز نفت خاورمیانه مورد دقت و مطالعه بوده است و پروژه های گوناگونی برای آن طرح شده ولی تاکنون هیچیک بمرحله عمل در نیامده است. فقط در کویت کارخانه تقطیر آب دریا و کارخانه برق سوختش با گاز نفت است و در عراق میخواهند از گاز مزبور برای سوخت کارخانه های برق کرکوک و بصره استفاده نمایند.

در ایران مقدار کمی از گاز نفت بمصارف خانگی در مسجد سلیمان و سایر معادن میرسد و مقدار کمی هم اخیراً در استوانه های فلزی بهتران آورده اند که بمصرف خانگی برسد. در سال ۱۹۵۰ در سوئز واقع در مصر کارخانه ای برای تولید کود شیمیائی از گاز نفت ساختند که سالی دوست هزار تن کالسیوم نایتریت^۱ عمل می آورد.

یکی از طرحهایی که برای استفاده از گاز نفت خاورمیانه ریخته شده این است که لوله ای از عراق به پاریس کشیده شود که گاز را بوسیله آن حمل کرده و در نقاط مختلف اروپا برای سوخت بمصرف رسانند. طول چنین خط لوله ای چهار هزار کیلو متر خواهد بود و گنجایش آن حمل سالی ۵۱۰۰ میلیون متر مکعب گاز بوده و خرج آن را هم در حدود چهارصد و بیست و پنج میلیون دلار بر آورد کرده اند.

در ۱۹۴۹ سازمان کشاورزی و خوراکی ملل متحد در گزارش خود پیشنهاد کرد که از گاز نفت نیتروژن گرفته و برای کود در کشاورزی مصرف نمایند و تخمین زده بود که اگر گاز های نفت خاورمیانه برای تولید نیتروژن مصرف شود محصول نیتروژن دنیا که در آنوقت چهار میلیون تن بوده دو برابر خواهد شد.

هیئتی که از طرف بانک بین المللی توسعه و عمران در سال ۱۹۵۱ بعراق رفته بود توصیه کرده است که از هدر رفتن گاز نفت باید خودداری کرد و پیشنهاد کرده که کارخانه ای در حوالی شهر کرکوک بنا شود که مواد خام آن گاز نفت و گچ باشد تا بتوانند سالی پانصد هزار تن کود شیمیائی امونیوم سلفیت^۲ و سالی یکصد هزار تن گوگرد و سیصد هزار تن سیمان بعمل آورد و تخمین زده است که قیمت چنین کارخانه ای در حدود بیست و پنج میلیون لیره خواهد بود.

گیسن^۳ که سالها رئیس معادن نفت ایران بوده و حال چندی است که مدیر عامل شرکت نفت عراق میباشد طی نطقی که در مؤسسه نفت انگلیس در تابستان ۱۹۵۲ ایراد کرد گفته بود هر اندازه که چاه های نفت خاورمیانه عمیق تر حفر شود تا ذخایر بیشتری بدست آید بهمان اندازه محصول گاز نفت آن زیاد خواهد شد و شاید در آینده نزدیک به مرحله ای برسیم که از حیث وزن پانزده درصد نفتی که بدست می آید گاز باشد و در چنین صورتی مقدار گازی که روزانه بدست خواهد آمد به پنج هزار میلیون پای مکعب (قریب به ۱۴۱۵۸۵۰۰۰ متر مکعب) خواهد رسید.

در امریکا اخیراً گاز نفت را تبدیل به مایع کرده و بفروش می رسانند. طریقه ای که بکار میبرند این است که گاز را بدون اینکه تحت فشار بگذارند سرد میکنند و درجه آن را تا نزدیک ۱۲۶ درجه سانتیگراد زیر صفر می آورند. در نتیجه این کار حجم گاز به شش صدم حجم سابق خود میرسد و آنوقت می توان آنرا با کشتی یا سایر وسایل از نقطه ای به نقطه دیگر حمل نمود مشروط بر اینکه در حین حمل نگذارند درجه حرارت بالا رود. این طریقه تاحدی مانند طریزی است که گاز های بوتین^۴ و پروپین^۵ را حمل

H. S. Gibson (۳)

Ammonium Sulphate (۳)

Calcium Nitrate (۱)

Propane (۵)

Butane (۴)

می کنند در مورد گاز های بوتین و امثال آن گاز را تحت فشار تبدیل به مایع می کنند تا فضای کمتری را اشغال کند و بعد هم مایع مزبور را در استوانه های فلزی ریخته و در حالیکه تحت فشار باقی میماند از جایی به جایی دیگر حمل می کنند .

دو سال پیش اداره اصل چهار امریکا (اداره عملیات خارجی) از آکادمی علوم آن کشور تقاضا کرد گزارشی در باب طرز استفاده از گاز های نفت عربستان سعودی تهیه کند . این گزارش که با کمک و یاری مؤسسات مختلف علمی تهیه شده بود میگوید که گاز مزبور را میتوان در محل بمصرف سوخت کارخانه هائی رساند که کود شیمیائی و لاستیک مصنوعی و سیمان و غیره تهیه می کنند و ضمناً توصیه می کند که گاز مزبور را بوسیله سرد کردن و تبدیل آن بمایع صادر نمایند . اخیراً در عربستان سعودی کارخانه مخصوصی برپا کرده اند که سالی ۱۶۰۰ میلیون متر مکعب گاز را دوباره وارد معدن ابقیق می کند و این کارخانه قریب بیست میلیون دلار تمام شده است .

از آنچه در بالا گفته شد واضح است که گاز نفت در صورتی که استفاده کامل از آن بشود منبع درآمد مهمی برای کشور های خاورمیانه خواهد بود و چرخهای صنایع گوناگونی را میتوان با گاز مزبور بگردش در آورد و اگر تا کنون در این راه قدمی برداشته نشده بواسطه جهالت و اهمال دولتهای خاورمیانه بوده است .

درجه بی اطلاعی و جهالت متصدیان امور خاورمیانه از این جا معلوم می شود که در هیچیک از امتیازاتی که تا کنون داده شده است ماده یا فصلی نگنجانده اند که شرکت های نفت را از سوزاندن و بهدر دادن گاز نفت منع نماید و یا آنکه آنها را موظف بآستفاده و بهره برداری از آن بنماید . در قرارداد هائی که بین بعضی از کشور های خاورمیانه و شرکت نفت عراق منعقد شده است گاز طبیعی نفت از مواد هیدروکاربونی که مشمول حق الامتیاز می شود مستثنی شده است . فقط در امتیازی که دولت عربستان سعودی بدو شرکت امریکائی اعطا کرده گفته شده است که شرکتهای نفت یک هشتم از سود حاصله از گازی که استخراج و بفروش رسد به دولت عربستان سعودی خواهد پرداخت . در قرارداد ۱۹۳۳ که بین دولت ایران و شرکت نفت بریتانیا (شرکت سابق نفت ایران و انگلیس) منعقد شد گفته شده بود که حق الامتیاز بهترین نفتی که برای مصرف داخلی در ایران بفروش رسد و یا از ایران صادر شود تعلق خواهد گرفت و در توصیف نفت که در مقدمه امتیاز ذکر شده گاز طبیعی را هم جزو نفت محسوب داشته است . در قرارداد جدید با کنسرسیوم هم همین رویه تعقیب گشته است و رو بهمرفته در هیچیک از امتیازاتی که تا کنون در خاورمیانه داده شده شرط و قیدی نیست که از سوزاندن و بهدر دادن گاز گرانبهای نفت جلوگیری شود و یا اقل حق الامتیاز بابت آن پرداخت گردد . در سایر کشور هائی که نفت دارند منتهای استفاده را از گاز نفت می کنند و در نقاطی مانند شمال ایتالیا یا پاکستان که فقط گاز موجود و نفتی تا کنون کشف نشده است نهایت جدیت را بخرج می دهند که حداکثر استفاده را از گاز نفت بکنند و لسی متصدیان امور خاورمیانه بدین نکته مهم هیچگونه توجهی نکرده و جهالت خود را هم بوسیله استشاره با متخصصین و خبر نگاران جبران نکرده اند .

بخش یازدهم - تأثیر اقتصادی و سیاسی و اجتماعی نفت در خاورمیانه

تجدید نظری که در عرض چند سال اخیر در میزان حق الامتیاز نفت شد و افزایش فوق العاده استخراج و لزوم استخدام عده زیادتری در صنایع نفت و هزینه هائی که هر سال شرکتهای نفت در خاورمیانه میکنند بدرجات مختلف تأثیر مهمی در وضع اقتصادی کشورهای نفت خیز داشته است. در ایران و عراق نفت فقط يك رشته از امور اقتصادی را تشکیل داده و زراعت و صنایع ملی رشته های دیگر اقتصاد ملی را تشکیل میدهند. در سایر کشورهای خاورمیانه مانند کویت و قطر و حتی عربستان سعودی که وضع اقتصادی آنها قبل از استخراج نفت در مراحل ابتدائی بوده نفت تأثیر بسیار مهمی در وضع زندگی آنها داشته است.

طبق بر آوردی که سال پیش درباره درآمد نفت کشورهای خاورمیانه شده بود معلوم گشت که يك چهارم از کل درآمد ملی عراق و نصف درآمد ملی عربستان سعودی و سه چهارم درآمد ملی کشورهای کوچک واقع در خلیج فارس از نفت تحصیل میشود. مقصود از «درآمد ملی» کلیه درآمد يك جامعه میباشد و درآمد دولتی فقط قسمتی از درآمد ملی محسوب میشود. بعضی از علمای اقتصاد گفته اند که «درآمد ملی» عبارت است از مجموع درآمد تمام خانواده هائی که عضو يك جامعه میباشد و هر گونه منبع عایدی جامعه را باید جزو آن حساب کرد چه اینکه آن عایدی از راه تولید غذا و لباس و تهیه آسایش و غیره باشد و چه از راه فروش خدماتی که اشخاص انجام میدهند. تاپیش از ملی شدن نفت کلیه درآمد ایران از نفت قریب به ده درصد «درآمد ملی» را تشکیل میداد ولی در کویت سه چهارم درآمد ملی از نفت بود و يك پنجم تمام جمعیت کویت در صنعت نفت بکار مشغول میباشد و در قطر نزدیک به هفت هشتم درآمد ملی از نفت حاصل میشود لذا تأثیر اقتصادی نفت در کشورهای خاورمیانه متفاوت است.

استفاده هائی که کشورهای (دارای منابع نفت) خاورمیانه از نفت میکنند بر چند قسم است :

اول وجوهی است که بابت حق الامتیاز و مالیات و عوارض عاید آنها میگردد. در سال ۱۹۴۰ که فقط معادن نفت ایران و عراق و عربستان سعودی و بحرین استخراج میشد مجموع حق الامتیازی که پرداخته شده بیست و شش میلیون دلار بوده است. در ۱۹۴۸ که کویت هم بآنها اضافه شد و محصول افزایش زیادی پیدا کرد مجموع حق الامتیاز به نود و هشت میلیون دلار رسید. در ۱۹۵۲ که نفت ایران صادر نمیشد مجموع حق الامتیاز کشورهای خاورمیانه چهارصد و چهل میلیون دلار رسید و اکنون از سالی هشتصد میلیون دلار هم متجاوز گشته است.

دوم مخارجی است که شرکتهای نفت در کشور هائی که امتیاز دارند میکنند اینگونه مخارج بوسیله فروش ارز خارجی انجام میگردد و منبع مهمی هم برای کشور های مزبور است که بتوانند از طرفی خدمات و کالاهائی را بشرکتهای نفت فروخته و از

طرف دیگر با ارزی که حاصل میکنند از خارج کالاهای دیگر وارد کنند. در سال ۱۹۵۴ مجموع کارکنان صنایع نفت خاورمیانه در حدود یکصد و هشتاد هزار نفر بود که بیش از هشتاد و پنج درصد آنها از اهالی محل بودند. این افراد مزد و حقوق گرفته و هر کدام عائله‌ای را اداره میکنند. علاوه بر این شرکت‌های نفت می‌بایست کثیری برای راه سازی و لوله کشی و خانه سازی و ایجاد بیمارستان و درمانگاه و ساختن مدارس و خرید اشیاء محلی صرف میکنند که همه اینها متضمن صرف ارزش خارجی می باشد. در سال ۱۹۵۱ شرکت‌های نفت قریب هیجده میلیون دلار در عراق و بیست میلیون دلار در عربستان سعودی و پانزده میلیون دلار در کویت و پنج میلیون دلار در بحرین بمصرف هزینه‌های مذکور رساندند. در ایران خرج شرکت نفت قبل از خلع ید در حدود بیست و پنج میلیون لیره در سال بود.

سومین استفاده‌ای که خاورمیانه از نفت میکند همان فراهم کردن محصولات نفتی برای مصرف در این کشورها میباشد. کشورهایانی که نفت ندارند باید بوسیله گوناگون متوسل شوند تا نفت مصرفی خود را تأمین کنند ولی در خاورمیانه این منبع نیرو که مصرف آن روز افزون است بسهولت حاضر بوده و در دسترس همه میباشد. از حیث قیمت، نفت ارزان ترین و سهل ترین سوخت محسوب میشود و فراهم بودن آن موجب توسعه حمل و نقل و صنایع و سایر امور اقتصادی شده و خاورمیانه را از سوخت‌های دیگر بی نیاز میدارد. در سال ۱۹۳۷ مجموع مصرف نفت کشورهای خاورمیانه در حدود دو میلیون تن بوده و در ۱۹۵۱ به هفت میلیون تن بالغ شد و در سال ۱۹۵۴ به ده میلیون تن بالغ گشت و این مقدار علاوه بر مقداری است که شرکت‌های نفت در کارهای خود و پالایشگاه‌ها برای سوخت مصرف مینمایند.

چهارمین استفاده که فقط مشمول سوریه و لبنان و اردن میشود در آمدی است که این سه کشور از حق ترانزیت لوله نفت و اجاره دادن زمین برای تأسیس پالایشگاه و ایجاد بندر خروج دریافت میدارند.

پنجمین استفاده عبارت است از کارهای عمرانی شرکت‌های نفت در حدود محوطه امتیازی آنها از قبیل ساختن جاده و خانه برای کارکنان خود و برقراری وسایل بهداشت و غیره. در بعضی کشورها مانند عربستان سعودی شرکت‌های نفت در طرح نقشه‌های عمرانی و دادن نظریه فنی کمک‌های شایانی کرده اند و مخصوصاً در عربستان سعودی شرکت نفت عده‌ای متخصص در اختیار دولت گذاشته که در امر کشاورزی و بندر سازی و راه آهن و غیره مساعدت‌های ذی‌قیمتی کرده اند.

ششمین استفاده همان مسئله ارز خارجی است که در امر تجارت و داد و ستد های بین‌المللی کشورهای خاورمیانه تأثیر بسیاری دارد. شرکت‌های نفت ارزی را که برای هزینه های جاری در کشورهای مختلف لازم دارند بکشورهای مزبور فروخته و تبدیل پیول محلی میکنند. این در واقع يك نوع صادرات غیر مرئی برای کشورهای خاورمیانه می باشد که آنرا بمصرف خرید کالاهای خارج می‌رسانند بدین ترتیب واردات از خارج تسهیل شده و بنوبه خود واردات مزبور عوارض گمرکی دولتها را افزایش داده و درآمد آنها را زیاد میکند.

استفاده‌هایی که در بلاذکر شد عبارات است از منافی که خواه یا ناخواه بکشورهائی که در خاور میانه نفت دارند عاید می‌گردد ولی در عین حال باید متذکر گردید که توده مردم کشورهای مزبور از نفت و درآمد آن بهره زیادی ندارند .

حق الامتیازهائی که داده میشود بجهت دولتها میرود و ارزی که خرج میشود بمصرف خرید اشیاء لوکس و تجلی برای متمولین میگردد . استخدام عده‌ای کارگر و کارمند محدود بنقاطی است که شرکتهای نفت در آنجا کار میکنند و عمران و آبادی نقاط مزبور هم جنبه محلی دارد و مشمول همه نواحی کشور نمیکردد . فراهم داشتن نفت بمعنوان سوخت ممکن بود نفعی برای تمام طبقات مردم داشته باشد ولی وضع مالیات بمحصولات نفتی چون وصولش سهل و بی دردسر است دولتهای خاور میانه را تشویق کرده است که مالیات گزافی بآن به بندند و سوخت را هم گران کنند و توده مردم را از این نعمت محروم دارند .

زودیک به شش قرن اعرابی که در سواحل خلیج فارس مسکن داشته‌اند زندگانی یکنواختی داشته و هیچگونه تحولی در روش زندگی آنها رخ نداده است. آنهائیکه در سواحل خلیج زندگی میکردند بامختصر تجارت و صید مروارید و صیادی و خرید و فروش برده و گاهی هم بادست و پنجه نرم کردن با سرنشینان کشتیهای بادی ارتزاق کرده و در نهایت فقر و مسکنت اعاشه می نمودند . آنانیکه در داخل شبه جزیره عربستان سکنی داشتند همه از طوایفی بودند که دائم بایکدیگر جنگ و ستیز داشته و در طلب آب برای خود و علف برای چهاربایان از نقطه‌ای بنقطه دیگر کوچ کرده و در حرکت بودند . باشیوخ خود با احترام رفتار کرده و مطیع آنها بودند و در این بیابانهای بی آب و علف و سوزان عربستان فقط دو طبقه وجود داشت یکی شیخ و امیر و سلطان و دیگری توده مردم که طوایف مختلف را تشکیل می دادند . مختصر زراعتی هم که در نواحی مختلف بود در مجاورت چشمه یا چاه آبی یافت می شد و همیشه برای تصرف این نقاط جنگ و نزاع برپا بود .

اولین دسته از اروپائیان که بخلیج فارس دست یافتند برتقالیها بودند که مدتی در آنجا استیلا داشته و قلاع محکمی ساخته و تجارت خلیج را در دست داشتند . طولی نکشید که انگلیسها آمده و برتقالیها را بیرون رانندند و در طی چند قرن سلطه و نفوذ خود را در ساحل عربی خلیج برقرار کردند . بایرده فروشی مبارزه کرده و دزدان دریائی را سر جای خود نشانندند و قراردادهائی هم باشیوخ مختلف منعقد کرده و حمایت از آنها را تعهد کردند و نفوذ سیاسی خود را در این نواحی مستقر ساختند . مدتها وضع بدین منوال بود تا آنکه در سواحل خلیج نفت پیدا شد و بانفت تحول عظیمی در وضع اقتصادی این نقاط پدید آمد .

شیوخ و سلاطین از درآمد سرشار نفت بهره بسیار میبرند و توده مردم این نواحی هم کم و بیش زندگی بهتری پیدا کرده‌اند . مثلاً عده زیادی از آنها در صنعت نفت کار پیدا کرده و کسب و کار نسبتاً مطمئنی تحصیل کرده‌اند و از کارهای عمرانی که کم و بیش شروع شده است تا اندازه‌ای بهره‌مند میگردند ولی ناظرین امور معتقدند که در وضع

سیاسی و اجتماعی این کشورها تحولات بسیاری در آینده پیش خواهد آمد که عواقب آنرا از هم اکنون نمیتوان پیش بینی کرد .

موقعی که شرکتهای نفت به خاورمیانه آمده و شروع بکار کردند امورسیاسی این نواحی ساده و بی اشکال بود. شرکتهای مزبور با حکمفرمایان نواحی مزبور قرارداد هائی منعقد کرده و مردم در عقد اینگونه قراردادها دخالتی نداشتند. شرایط امتیاز مقرر میداشت که درآمد نفت مستقیماً به شیوخ و سلاطین این نواحی پرداخت شود و چون در ابتدای امر درآمد مبلغ قابل ملاحظه ای نبود آنچه وصول میشد بمصرف شخصی شیوخ و خانواده های آنها میرسید و مردم هم چندان اعتراضی نمیکردند. لکن پس از چنگ اخیر که تجدیدنظری در شرایط امتیازات مزبور شد و اصل تنصیف درآمد نفت بمیان آمد و عواید رو بفرزونی گذاشت و لزوم عمران و آبادی این نواحی محسوس گشت متصدیان امر متوجه گشتند که اختصاص تمام درآمد به خودشان دیگر مقدور نیست. این بود که برنامه های عمران و آبادی طرح گشت و هر يك از این کشورها بودجه ای تنظیم کرده و طبق آن رفتار می نمایند .

در عربستان سعودی مآل اندیشی اولیای دولت و نصایح خردمندان و دوستان داخلی و خارجی موجب شده است که تاحدودی برنامه ای برای عمران کشور طرح گردد. در سال ۱۹۴۵ شرکت نفت عربستان طرحی بنام «برنامه توسعه صنایع عربی» تنظیم و تقدیم اولیای دولت کرد که هدف آن تربیت کردن اهالی و آموختن فنون مختلف بآنها و تشویق مردم بایجاد مؤسسات صنعتی کوچک بود. دولت سعودی راه آهنی از خلیج فارس به ریاض کشیده و در صدد است که آنرا به جده امتداد دهد. بندر گاه جده را ساخته و راه جده بمکه و مدینه را شوسه نموده و تسهیلات زیادی برای حجاج فراهم کرده است.

آخرین بودجه دولت سعودی که منتشر شده برای سال ۵۵ - ۱۹۵۴ است و قلم عمده درآمد که در واقع هشتاد و پنج درصد از کل درآمد کشور است تماماً از نفت عاید می شود که بالغ بر نهمصد و هفتاد و یک میلیون ریال سعودی (که طبق نرخ رسمی هر ده ریال سعودی برابر بایک لیره انگلیسی) است. عوارض گمرکی و بندری در حدود ۹۰ میلیون ریال پیش بینی شده که هشت درصد از کل درآمد است و هفت درصد بقیه درآمد های مختلف می باشد که قسمت عمده آن مربوط بدرآمد از وجوهی است که حجاج در کشور سعودی خرج می کنند. در قسمت مخارج ۷۴۲ میلیون ریال (یا ۳۵ درصد از کل مخارج) برای قوای تأمینیه منظور گشته که تقریباً دو برابر مبلغی است که سال پیش خرج شده بود و سایر هزینه های عمده دولت عبارت است از وزارت کشور ۸۲ میلیون ریال - کار های عمرانی و کمک بشهرداربها و ساختن خانه و غیره ۱۹۴ میلیون - وزارت راه ۹۷ میلیون - فرهنگ ۴۶ میلیون - بهداشتی ۴۰ میلیون - کشاورزی ۲۵ میلیون - وجوهی که برؤسای قبایل و شیوخ پرداخته می شود ۲۶ میلیون - مصارف خیریه و هزینه پذیرایی های رسمی و حقوق تقاعد و انعام و غیره ۳۸ میلیون - هزینه دربار سلطنتی و وزیران ۵۵ میلیون - استهلاك دیون ۱۲۸ میلیون - سایر هزینه ها ۱۳۲ میلیون ریال سعودی.

از ارقام فوق ملاحظه میشود که مجموع وجوهی که به فرهنگ و بهداشت و کشاورزی داده شده فقط بیست و چهار درصد از کل درآمد دولتی است و بقیه بمصرف کارهایی میرسد که سود اقتصادی و اجتماعی آن بطور مستقیم عاید عموم مردم نمیگردد. علاوه بر این بودجه دولت سعودی بیست درصد کسر داشته و هیچ مبلنی هم بعنوان ذخیره منظور نگشته است. از طرف دیگر بودجه بسهولت می توان پی برد باینکه وضع اجتماعی و سیاسی آن کشور از چه قرار است و تا چه اندازه کشور سعودی متکی بدرآمد نفت بوده و بچه قسم درآمد مزبور بمصرف می رسد و ضمناً سهم طبقه حاکمه و مردم آن کشور از درآمد بچه میزان میباشد ؟

در کویت و بحرین و قطر مستشاران انگلیسی ناصح و مشاور شیوخ بوده و بطور کلی ترتیبی داده اند که يك سوم درآمد نفت اختصاص بشیوخ و خانواده آنها داشته و يك سوم بمصرف عمران و آبادی و فرهنگ و بهداشت رسیده و بقیه هم بعنوان ذخیره درلندن بودیعه گذاشته می شود .

در عراق قانونی وضع شده است که هفتاد درصد از درآمد نفت بمصرف عمران و آبادی تحت برنامه منظمی میرسد. در سال ۱۹۵۴ درآمد نفت عراق ۵۷ میلیون لیره بوده و برنامه عمران برای سالهای ۵۹ - ۱۹۵۵ که بتصویب مجلس عراق رسیده است بالغ بر ۳۰۳ میلیون لیره میباشد. برنامه پنج سال اول که از سال ۱۹۵۱ شروع شد قریب یکصد و پنجاه میلیون لیره بود که اکنون تمام آن بمصرف رسیده است. برنامه جدید شبیه ب برنامه اولی میباشد و نصف وجوه مصوبه ب کشاورزی تخصیص داده شده است که شامل سد سازی و زه کشی و حفر چاههای آب و توسعه سطح مزرع و پرورش دام هامیباشد. پنجاه و سه میلیون و هفتصد هزار لیره صرف راه و پل سازی خواهد شد. پانزده میلیون و نیم لیره بمصرف توسعه و تجدید خطوط آهن خواهد رسید و پنج میلیون لیره هم بساختن فرودگاههای جدید تخصیص داده شده است. قریب یک هزار و ششصد کیلومتر راه درجه اول ساخته و اسفالت شده و در برنامه جدید هزار و ششصد کیلو متر دیگر هم ساخته خواهد شد. چهل و سه میلیون و ششصد هزار لیره صرف کارهای صنعتی از قبیل استخراج معادن و ایجاد کارخانهها و مخصوصاً کارخانههای برق خواهد شد. قرار است که يك کارخانه برق سی هزار کیلوواتی در کرکوک ساخته شود که سوخت آن از گاز نفت خواهد بود تا احتیاجات ایالات شمالی را مرتفع نماید و يك کارخانه شصت هزار کیلوواتی در بغداد بنا خواهد شد که احتیاجات نقاط مرکزی را تأمین کند و يك کارخانه چهل هزار کیلوواتی هم در بصره ایجاد خواهد شد که سوخت آن از گاز نفت معادن زیر بوده و احتیاجات جنوب را رفع خواهد کرد. وزارت عمران بیست و هشت میلیون لیره صرف ساختمانهای عمومی خواهد کرد و سی و هفت میلیون لیره هم تخصیص بساختن بناهای دیگر داده شده است. برنامه صنعتی شامل ساختن شش کارخانه سیمان است که سالی يك میلیون تن محصول خواهد داد .

بودجه دولتی عراق برای سالی که بدهم فروردین ۱۳۳۴ ختم میشود موازنه داشته و هزینه و درآمد هر يك بالغ بر پنجاه میلیون لیره بوده است. سی درصد درآمد

نفت جزو بودجه محسوب می‌گردد و سایر مالیات‌ها عبارت‌است از مالیات ارضی و عوارض گمرکی و سایر مالیات‌های غیرمستقیم. در قسمت هزینه نه‌میلیون و سیصد هزار لیره بفرهنگ و چهارمیلیون و یکصد هزار لیره به بهداری اختصاص داده شده است.

سئوالی که اغلب پیش می‌آید و غالب علاقمندان بخاورمیان‌ه آنرا درج‌راید و مجلات و کتابها طرح میکنند این‌است که آیا توده کشورهای نفت خیز خاورمیان‌ه راضی و قانع باین خواهند بود که طبقه حاکمه قسمت عمده درآمد نفت را بخود اختصاص داده و برای توده مردم سهم ناچیزی قائل شود؟ بسیاری از خردمندان و ناظرین دقیق امور سیاسی و اجتماعی این پرسش را کرده و درآینده هم هرگونه تظاهری که در کشورهای خاورمیان‌ه رخ دهد موجب تکرار این پرسش خواهد بود.

در دیماه ۱۳۳۳ و قاعی در بحرین رخ داد که انظار بسیاری را متوجه خود ساخت. میلیون بحرین که احساسات بی‌شائبه‌ای نسبت بایران دارند اعتصاب کردند و تمام کارها در اثر این اعتصاب فلج گردید. اعتصاب مزبور در عالم خود بی‌نظیر بود زیرا این اعتصابی نبود که کارگر بر علیه کارفرما کرده باشد بلکه اعتصاب تمام طبقات مردم بر علیه حکومت شیخ بحرین بود. تقاضای اعتصاب کنندگان این بود که دادگستری اصلاح شود و حکومت دموکراسی برقرار گردد و اختیارات مستبدانه شیخ محدود گردد و قانون کار وضع و تدوین شود و آزادی تشکیل اتحادیه کارگران تأمین گردد. اعتصاب مزبور در نهایت آرامش و با کمال نظم و بدون سروصدا و غوغای ترتیب داده شده بود. کمیته هشت نفری که اعتصاب را اداره میکرد بانضباط بی‌نظیری همه کارها را تعطیل کرد و ثابت نمود که نیروی عظیم مردم از آن پشتیبانی میکند. حکومت ناچار بگذشتگاهی شد تا اعتصاب خاتمه یافت ولی مردم را قانع نساخت. چندی بعد دوباره میلیون فرصتی یافتند که قدرت نمایی کنند و هنگامیکه حکومت میخواست انتخابات انجمن شهرنامه (مرکز حکومت) را بجزایران اندازد انتخابات را تحریم کردند و حتی یکنفر هم حاضر نشد که رأی داده و در انتخابات مزبور شرکت نماید.

اکنون تمام سعی و کوشش میلیون متوجه این است که حکومت را وادار بتدوین قانون کار و اعطای آزادی برای تشکیل اتحادیه کارگران بنماید. حکومت ناچار شده است کمیته‌ای مرکب از نمایندگان خود و نمایندگان کارگران و کارفرما تشکیل دهد که تقاضاهای میلیون را رسیدگی نموده و قانونی تهیه و تدوین نماید. بقراریکه مشهور است پس از آنکه تقاضاهای اولیه میلیون انجام شد آنها جدیت خواهند کرد که حکومت مشروطه و دموکراسی در بحرین برقرار شده و مردم در تعیین مقدرات خود سهیم و شریک باشند. در حال حاضر وقایع بحرین مورد توجه دقیق ساکنین تمام نواحی خلیج و شیوخ عرب و شرکتهای نفت و دولتهای امریکا و انگلیس قرار گرفته و همه انتظار دارند که به بیند نهضت بحرین که بی‌شک مقدمه‌ای برای نهضت‌های دیگر خواهد بود بچه سرانجامی خواهد رسید.

از همان ابتدائی که استخراج نفت خاورمیان‌ه آغاز گشت ناظرین اموریقین داشتند که ایجاد یک صنعت جدید در وسط بیابانهای بایر و سوزان خلیج و در بین قبایل جاهل و بی‌سواد مستلزم پدید آمدن یک تحول بزرگی خواهد بود. چنین صنعتی خواه یا ناخواه

تماسی بین مردم خاورمیانه و اروپائیان و امریکائیان ایجاد خواهد کرد. دیربازود اعراب ساکن سواحل خلیج با سواد شده و طالب زندگی بهتری خواهند شد و بتدریج سطح معلومات آنها باندازه‌ای بالا خواهد رفت که اجازه ندهند تمام منافع حاصله از منابع سرشار آنها در انحصار طبقه حاکمه قرار گیرد و توده مردم سکوت نموده بچنین اجحاف و ظلمی تن در دهند. سرمایه داران خارجی و دولتهای آنها هم میدانسته و میدانند که چنین تحولی پیش خواهد آمد نهایت آنکه آنها ترجیح میدهند که با فلان شیخ و با فلان حکومتی که دست نشاندۀ طبقه حاکمه است معامله نموده و مردم را بحساب نیاورند زیرا معامله مزبور برای آنها سهل تر و باصرفه تر است. از طرفی دولتهای بیگانه شیوخ و مرتجعین و طبقه حاکمه را تقویت میکنند و از طرف دیگر متصدیان دست نشاندۀ قراردادهائی را که بیگانگان پیشنهاد میکنند امضاء و تصویب مینمایند.

برای آنکه از جاده انصاف خارج نشده باشیم باید گفت که سرمایه داران خارجی در ابتدای امر چاره‌ای هم جز این نداشته‌اند. آنها طالب امتیاز نفت بودند و نمیتوانستند پولهای گزاف خرج کرده و مردم جاهل را تربیت نمایند تا بعداً از روی انصاف و معدلت قراردادهائی بانمایندگان آنها منعقد نمایند. بیگانگان باشیوخ و رؤسا و متصدیان امور وارد مذاکره شده و بارزان ترین قیمت ممکنه امتیازاتی گرفته و شروع بکار کردند و بقیه را واگذار بسیر حوادث کردند.

در نظر ارباب بصیرت واضح بود که چنین وضعی همیشه پایدار نخواهد ماند و امروز مراحل اولیه تحول ظاهر گردیده و مردم کشورهای خاورمیانه جدأ خواستارند که در تعیین سرنوشت اقتصادی خود دخیل باشند و مقدمات نهضت اخیر بحرین یکی از علائم بارز این تحول میباشد. شواهد بسیاری در دست است که شرکتهای نفت و دولتهای آنها مایل اند که وضع قدیم ناممکن است پابرجا ماند و سعی و کوشش بسیار مینمایند که طبقات حاکمه را تقویت نموده و حکومتیائی که نماینده آن طبقه است در رأس کار باقی نگاهدارند. هر گونه نهضت و جنبشی که از طرف مردم آغاز میگردد تخطئه میکنند و فوری آنرا متهم مینمایند که از کومونیزم الهام گرفته است چنانکه دیده شد همین نسبت ما را ب نهضت کاملاً مشروع بحرین دادند و در سرتاسر جهان گفتند که عمال کومونیست ب بحرین راه یافته و موجب اغتشاش و سلب امنیت گردیده‌اند. چنین وضع و اینگونه اتهامات شاید برای اندک مدتی باز هم دوام کند ولی بدون هیچگونه تردید مردم بتدریج آگاه شده و در صدد مطالبه حقوق خود بر خواهند آمد و دیری نخواهد گذشت که طبقات حاکمه را طرد کرده و رژیم دموکراسی حقیقی و حکومت مردم بر مردم را مستقر خواهند ساخت.

اگر سرمایه داران خارجی و حامیان آنها سرسختی و لجاج را پیش گرفته و برخلاف ناموس طبیعت پشتیبانی از طبقات حاکمه را ادامه دهند باید در انتظار روزی باشند که تمام مؤسسات آنها و منابع عظیم نفت که اکنون در دست آنها میباشد از اختیارشان خارج گردد و اگر خرد و عقل و مآل اندیشی را پیشه خود سازند و بگذارند که نمایندگان حقیقی مردم روی کار آمده و حکومت را در دست گیرند و با آنها از در دوستی و رأفت وارد شده و تقاضای های حق و مشروع آنها را بپذیرند ادامه عملیات آنها به بهترین طرز ادامه خواهد یافت.

دوران‌دیشانی در شرکتهای نفت و در دستگاه دولتهای حامی شرکتهای مزبور یافت میشوند که کم و بیش خطر را احساس کرده و توصیه میکنند که دولتهای دست‌نشانده بیگانگان در خاورمیانه باید از کار برکنار شوند و طبقات حاکمه که قرن‌ها بتوده مردم سیادت داشته‌هست و نیست آنها را در قید انحصار خود در آورده‌اند باید هرچه زودتر طرد گردند تا حکومت‌های دموکراسی جای آنها را بگیرند. اینگونه مردمان مآل‌اندیش خطر را زودتر احساس کرده و راه‌چاره راهم دریافته‌اند و اکنون باید صبر کرد و دید چه وقت توصیه آنها عملی می‌گردد.

آنچه در بالا باختصار گفته شد تأثیر اقتصادی و سیاسی و اجتماعی نفت در کشورهای خاورمیانه بود و اینک مختصری هم درباره نفت خاورمیانه در اقتصاد جهان و تأثیر این در آن می‌گوئیم تا آشکار شود که احتیاج خارجیان به نفت خاورمیانه چه اثری در وضع کشورهای خاورمیانه داشته و دارد.

یکی از ارکان مهم دفاع غرب بر ضد کمونیزم این شده است که دفاع از کشورهای غربی اروپا بزرگترین و مهم‌ترین عامل بقای دموکراسیهای غربی می‌باشد. سازمان اتلانتیک شمالی که از کشورهای غرب اروپا و آمریکا تشکیل شده است کلیه نقشه‌ها و طرحهای خود را روی این اصل بنا کرده که هنگام مبارزه باید نفت کافی در اختیار داشته باشد. تا ۱۹۴۸ عقیده مشخصین این بود که در موقع لزوم باید کشورهای غربی اروپا نفت خود را از آمریکا و سایر کشورهای نیم کره غربی تحصیل نمایند ولی افزایش مصرف نفت در آمریکا موجب شد که تجدید نظری در این باب بشود و از آن سال به بعد تمام نقشه‌های اقتصادی و نظامی تغییر یافته و تصمیم قاطع گرفته شد که خاورمیانه باید نفت اروپا را چه در زمان صلح و چه در ایام جنگ تأمین نماید. در ۱۹۵۰ اقتصاد اروپا بنحوی تغییر کرد که تمام احتیاجات نفت آن امروز از خاورمیانه تحصیل میگردد و در این راه کمک مارشال و اداره تشریک مساعی اقتصادی اروپا نقش بزرگی را بازی کرد. از یکطرف طرحی ریخته شد که پالایشگاه‌های متعددی در کشورهای غرب ساخته شود تا آنها را بی‌نیاز از حمل نفت تصفیه شده نماید و از طرف دیگر حمل نفت خام خاورمیانه با اروپا بوسیله لوله‌هایی که از عراق و عربستان سعودی بمدیترانه کشیده شد سهل‌تر و مسافتی‌تر که نفت باید طی کند کوتاه‌تر ساخت. ساختن پالایشگاه در مراکز که نفت مصرف میکنند و حمل نفت خام خاورمیانه با اروپا موجب شد که رابطه نزدیکی در تجارت نفت بین این دوناحیه برقرار گردد و ضمناً اروپا را از دادن دلار با آمریکا و خرید نفت از آن کشور مستغنی ساخت ولی مخفی نماند که ضربت بزرگی پیشرفت صنعت در خاورمیانه وارد ساخت. چه اگر پالایشگاه‌های متعدد اروپا ساخته نشده بود شرکتهای نفت مجبور میشدند که پالایشگاه‌های بزرگی در خاورمیانه ایجاد کرده و این صنعت را در این نقطه رواج داده و درآمد مهمی برای مردم فراهم کرده و عده زیادی از مردم خاورمیانه را بکار گمارند. خبرگان نظامی متوقف شدن پالایشگاه حیفا را در اثر اختلافات بین کشورهای عرب و کشور اسرائیل و تعطیل شدن پالایشگاه آبادان را در چند سال اخیر شاهد آورده و گفتند که نظر با احتمال وقوع چنین حوادثی

اصلح آن است که پالایشگاه در مراکز مصرف نصب گردد تا اگر بحرانی پیش آمد و نفت خاورمیانه در دسترس نبود کشورهای اروپا بتوانند از نفت خام امریکا استفاده نموده و در صورت لزوم از زغال سنگ نفت گرفته و در پالایشگاه های خود تصفیه نمایند. امروز برای همه کس واضح و آشکار است که بدون نفت خاورمیانه پیشرفت صنایع اروپا و بخصوص تجدید سلاح کشورهای عضو سازمان اتلانتیک بسهولت مقدور نیست. حتی اگر چرخهای صنعتی اروپا بازغال سنگ گردش کند چرخهای ماشین جنگ که تماماً محتاج بنفت میباشد بدون نفت متوقف خواهد شد. پس از سال ۱۹۵۰ ثابت شد که هرگونه اختلافی که در صدور نفت خاورمیانه با اروپا روی دهد موجب فلج شدن صنایع اروپا خواهد بود و دیگر جای شبهه برای کسی نمانده است که صنایع اروپا چه در زمان صلح و چه در ایام جنگ محتاج بنفت خاورمیانه خواهد بود.

مصرف نفت ایالات متحده امریکا روز بروز در تزايد است و احتمال قوی می رود که تاده بیست سال دیگر باندازه ای مصرف آن افزایش یابد که امریکا مجبور بوارد کردن اقل "نصف مصرف خود باشد. امریکائیان آینده را در نظر داشته و اکنون سعی میکنند که صادرات نفت را از کشور خود قطع کنند و ذخایر خود را برای آینده و روز های مبادا محفوظ دارند. این است که حاضر شده اند شرکت های نفت امریکا را تشویق نمایند تا نفت خاورمیانه را استخراج کرده و با اروپا برسانند.

بنا بر آنچه در بالا گفته شد احتیاج مبرم اروپا بنفت خاورمیانه محرز میباشد و از لحاظ نظامی و اقتصادی و سیاسی تمام توجه سیاستمداران معطوف باین است که نگذارند منابع نفت خاورمیانه بدست معاندین آنها افتد و تصمیم قاطع دارند که چه در زمان جنگ و چه در ایام صلح خاورمیانه را تحت نفوذ خود قرار داده و از هرگونه انحرافات که موجب زیان آنها شود جلوگیری نمایند.

دخالت سیاست امریکا در امور خاورمیانه ناشی از این عامل مهم است و مبالغ کثیری که دولت امریکا تحت عناوین مختلف در خاورمیانه خرج میکند مبتنی بر عشق و علاقه معنوی نبوده و صرفاً روی احتیاجات نظامی و اقتصادی میباشد.

جای بسی تأسف است که سیاستمداران خاورمیانه کاملاً بی باهیمت منابع طبیعی خود نبرده و احتیاج مبرم غرب را بنفت خاورمیانه درک نکرده و با قیمت ارزانی این منابع سرشار را در اختیار دیگران میگذارند و در مقابل کمک های حقیر و ناچیز غربیها مدیعه سرائی کرده و در تجلیل و تمجید آنها اغراق بسیار میگویند. اگر سیاستمداران خاورمیانه کفایت و لیاقتی داشتند يك سیاست واحد نفتی برای خود اختیار میکردند و در مقابل غرب صف واحدی تشکیل داده و تقاضای مشروع خود را میقبولانند مثلاً تجدید صنعت پالایش نفت را در خاورمیانه بمیان می گذاشتند و اگر توفیقی در این راه نمیافتند اقل شرکت های نفتی را و ادار باین می نمودند که صنایع بزرگ شیمیایی نفت را در خاورمیانه ایجاد نمایند و از ملیو نهامتر مکعب گاز نفتی که بهدر میرود جلوگیری میکردند و غیره و غیره.

احتیاج غرب بنفت خاورمیانه باندازه‌ای شدید است که دیر یا زود کشورهای غرب بخصوص انگلیس و امریکا باید تجدید نظری در سیاست خاورمیانه خود بنمایند. مردم خاورمیانه دیگر زیر بار حکومت‌های دست نشانده و دیکتاتورهای خلق الساعه و پارلمان‌هایی که از طرف مردم انتخاب نشده و نمایندگانش را دولتها تعیین میکنند نخواهند رفت. روش امپریالیزم و استعمار کهنه شده روزهای آخر عمر خود را طی میکند. غرب بایستی واقع بین شده و با مردم خاورمیانه رابطه ایجاد نماید و در سیاست گذشته خود تجدید نظر کرده و از تقویت طبقات حاکمه خود داری نماید و الا اگر بنیه اقتصادی توده مردم خاورمیانه تقویت نشود و همه چیز در انحصار طبقه حاکمه باقی بماند و روشهای دیرینه تعقیب گردد روزی خواهد رسید که همه چیز دگرگون خواهد بود. چه خوب بود که از آزمایشی که امریکا در چین کرد و فرانسه در هند و چین نمود درس عبرتی گرفته شود تا مردم خاورمیانه با غرب تشریک مساعی نموده و در حدود مشروع نفت خود را با اختیار آنها بگذارند و در عوض سود مناسبی هم دریافت دارند. آینده نشان خواهد داد که چه خواهند کرد.